کارگر تبعیدی

ارگان

انجمن کارگران تبعیدی ایرانی

شماره ۱۴

بهمن ۱۳۷۰

قیمت ۲ مارک

به دفاع از مبارزات کارگران ایران برخیزیم!

اعتصاب در شرکت نفت ایران

شرایط غیرقابل تحمل اقتصادی وگرانی های روزافزون مایحتاج عمومی درایران، حتی درزیرسرکوب واختناق جمهوری اسلامی، مردم رابه"مقابله ممنوعه" می کشاند!

ازآنجا که هیچ توازنی بین درآمد وهزینه‌های سرسام آور زندگی وجودندارد، کارگران‌وزحمتکشان کشورما هر روزه اعتراضات خود راعلیه چنین وضعی اعلام میدارند.

درحکومت اسلامی، همه‌گونه حقوق انسانی ازمردم ما سلب گردیده وکارگران ماازحق تشکل مستقل وحق اعتصاب ــ که ازطریق آنها بتوانند بر سرفروش نیروی کار خود چانه بزنند ــ محروم‌ودرنتیجه حقوق ناعادلانه‌ای که بطور یکجانبه ازسوی کارفرمایان تعیین می شود، برکارگران تحمیل می گردد. بااینهمه، فشار اقتصادی، آنها رابه ستیز ومبارزه "غیرقانونی" وامیدارد: اعتراض ــ اعتصاب!

بقیه درصفحه ۲۰

خرید و فروش کودکان برای انجام کار در مزارع و کارگاهها

یکی از مسئولین استان خراسان اعتراف کرد که "به علت فقر شدید مالی مردم مناطق شمال خراسان، آنان دختران جوان خود را به مبلغ ۱۰ هزار تومان می‌فروشند." وی در گفتگو با خبرنگاران اضافه کرد: "خریداران این‌دختران جوان اکثراً در مناطق گنبد هستند که پس از خرید دختران، آنان را برای کار در مزارع و کارگاهها به همراه می‌برند." او در ادامه صحبتهایش تصریح نمود: " این مسئله در شهرها و روستاهای بجنورد، درگز و شیروان بسیار اتفاق افتاده است." مطالب تکان دهنده فوق، تنها گوشه کوچکی از وضعیت و سرنوشت اسفبار کودکان ایران را بازگو میکند و همینکه یکی از مقامات رسمی جمهوری اسلامی (مدیر کل کمیته امداد امام خمینی خراسان) ناچار به اعتراف آن گشته، نشانگر گستردگی این فاجعه در ایران است.

صدها هزار کودک ایرانی، تقریبا" از سن ۱۰ سالگی ناچارند برای سیر کردن شکم خودشان به کارهای شاق و بیگاری تن دهند. انجام

بقیه‌درصفحه ۲۰

ازفعالیت های‌انجمن کارگران‌پناهنده‌ومهاجر

★ واحد انجمن درانگلستان، از یك گروه فعال کارگری دعوت کرد تابرای دستیابی به چگونگی پیشبرد اهداف انجمن، درارتباط با تصویب قطعنامه پیشنهادی (اخراج جمهوری اسلامی ازکنفرانس بین‌المللی کار) یك جلسه مشترك برگزار گردد.

این جلسه درتاریخ دوم اکتبرسال ۱۹۹۱ باشرکت ۴ نفرازاعضاء انجمن و۵ نفرازفعالین اتحادیه‌ای این گروه، ازجمله: دبیراتحادیه کارگران اتوبوسرانی لندن، نماینده اصلی کارگران ماشین سازی فورد و دبیرنشریه کارگری آنها، برگزار گردید.

دراین‌نشست که بمدت ۴/۵ ساعت بطول انجامید، پس از گفتگو وتبادل نظر پیرامون چند مسئله مشخص ازجمله: مسائل و مشکلات کارگری درایران واخراج جمهوری اسلامی ازکنفرانس بین‌المللی کار تصمیمات وتوافقاتی بین طرفین صورت گرفت که درزیر میآید:

بقیه درصفحه ۲

جمع بندی تجربیات کارگری

گفتگو بایکی ازکارگران‌مجتمع کفش ملی

س: درباره خودتان‌و سابقه کارگری و مبارزاتی‌تان درحدی که مایل هستید توضیح دهید.

ج: من تا قبل از انقلاب بهمن ۵۷ در کارخانجات مختلفی مشغول کار بودم. اما بطور مشخص بعد ازانقلاب بود که درکارخانه کفش ملی استخدام شدم. مدت تقریبا ۱۰سال در این کارخانه کار کردم و باتوجه به شرایطی که ذکر آنهارا دراینجالازم نمی دانم مجبور به ترك کارخانه شدم.

س: وضعیت عمومی جنبش کارگری درمجتمع کفش ملی چگونه است؟

بقیه درصفحه ۵

ژاپن؛ پول، کارشاق وجدال انسان با زندگی

درصفحه ۱۰

جایگاه فنلاند در بحران جهانی سرمایه داری

درصفحه ۱۳

در صفحات دیگر می‌خوانید:

- اخبار کارگری
- "سیاستهای کارگری" جمهوری اسلامی
- نامه‌ها و پیامها
- تجاوز به حقوق زحمتکشان در کویت
- شورش جوانان بیکار در بریتانیا
- کنفرانس زنان نالگو ــ قطعنامه اضطراری
- اعتصاب کارگران کشت و صنعت و موضع روزنامه کار و کارگر
- قطعنامه شعبه نیوکاسل نالگو
- مبارزه بین المللی طبقه کارگر، تنهاسد مقابل هجوم گسترده بورژوازی
- جنبش کارگری بریتانیا از جنگ جهانی اول تا زمان حال

زنده باد تشکلهای مستقل کارگری!

www.iran-archive.com

از فعالیت های انجمن کارگران پناهنده و مهاجر

دنباله از صفحه اول

تصمیمات نشست مشترک انجمن کارگران پناهنده ومهاجرایرانی و حزب کارگران انقلابی WRP:

۱ــ انجمن کارگران پناهنده مقاله‌ای درمورد وضع کارگران ایران برای نشریه "اتحادیه کارگران" بنویسد وتا شانزدهم اکتبر آمادەشود.

۲ــ نمایندگان ، درکنفرانس فعالین اتحادیه کارگران درشهر منچستر که درتاریخ هفتم دسامبر برگزار می گردد، شرکت وسخنرانی نمایند.

۳ــ درنشست دیگری ، احتمال تشکیل "کنفرانس فعالین اتحادیه‌های خاورمیانه" مورد بررسی قرارگیرد و درخصوص کسب ویزا برای نمایندگان شرکت کننده صحبت و اقدام گردد.

۴ــ اعضای WRP دراتحادیه های کارگری ، برای اخراج نمایندگان جمهوری اسلامی درکنفرانس بین‌المللی کار تبلیغ کنند:

الف ــ قطعنامه (اخراج ج. ا. ازکنفرانس بین المللی کار) به کنفرانس سالیانه زنان اتحادیه نالگو جهت تصویب ارائه شود.

ب ــ قطعنامه مشابه دردستور کاردیگراتحادیه ها قرارگیرد وهمچنین جهت تصویب در کنگره آتی WRP بتاریخ ۱۰ تا ۱۲ اکتبر مطرح شود.

ج ــ دراتحادیه های کارگری تصویب شود که: نامه‌هائی درمحکومیت‌اقدامات سرکوبگرانه رژیم ج. ا. و اعتراض به شرکت نمایندگان آن در ILO به دولت جمهوری اسلامی فرستاده شود.

د ــ اعضای WRP دررابطه باسفر آتی رفقای ایرانی به شهرهای شمالی انگلستان جهت سخنرانی وتماس بااتحادیه‌های کارگری شمال به آنها کمک کنند.

★ بدرخواست هیئت هماهنگ کننده انجمن کارگران پناهنده ومهاجر ایرانی، جلسه‌ای یك ساعته با آقای والش ، دبیرکل امور

از فعالیتهای انجمن ما

بین المللی اتحادیه سراسری انگلستان TUC در تاریخ چهاردهم نوامبر سال ۹۱ در لندن برگزار گردید.

دراین جلسه ، ابتدا وبنابه درخواست آقای والش، خلاصه‌ای ازسابقه‌مبارزاتی کارگران‌ایران ، تشکلهای آنها درگذشته ، نقش طبقه کارگر ایران درسرنگونی رژیم شاه وهمچنین وضعیت فعلی این طبقه، تحت حاکمیت جمهوری اسلامی درایران، توسط یکی ازاعضاء هیئت بیان شد.

آقای والش نیز درادامه سخنان خود ضمن اشاره به روابط فعلی دولت انگلستان باایران وحمایت این گونه دولت ها ازجمهوری اسلامی گفت:

"... باتوجه به تبعیضی که درقانون کاررژیم اسلامی ایران وجوددارد، ماامسال بطورقطع این مسئله رادرکنفرانس بین‌المللی کارمطرح کردەو این موضوع رابه اطلاع همه شرکت کنندگان درکنفرانس خواهیم رساند. همچنین جهت فرستادن گروهی ازنمایندگان اتحادیه‌ها برای بررسی مسائل کارگری ایران اقدام خواهیم کرد ومسائل ونظرات شمارابرای‌درج درنشریات بین‌المللی اتحادیه هابه آنان ارائه خواهیم‌داد. ... ماازشمامیخواهیم که بامادرتماس مداوم باشید. من میخواهم که این تماسها بطورمستمر ادامه یابدو مسائل ومشکلاتتان مطرح وپی گیری شود."

درخاتمه جلسه، قطعنامه پیشنهادی انجمن مبنی براخراج نمایندگان جمهوری اسلامی ، ازکنفرانس بین‌المللی کار، ولیست بیش از ۵۰۰ نفرازکارگران اعدامی وتیرباران شده توسط رژیم جمهوری اسلامی وهمچنین قطعنامه‌های تصویب شده ازطرف اتحادیه‌های دیگر، به ایشان ارائه داده شد.

مبارزه بین‌المللی طبقه کارگر، تنهاسدمقابل هجوم گستردەبورژوازی

درتاریخ دوم اکتبر سال گذشته(۹۱) واحد انجمن کارگران پناهنده ومهاجرایرانی ، جلسه‌ای باشرکت پنج نفر ازفعالین اتحادیه ای "حزب کارگران انقلابی" WRP انگلستان ، جهت تبادل نظر و همکاری مشترك در پیشبرد اهداف انجمن ودستیابی به یك نتیجه عملی مشخص، برگزار کرد که گزارش آن درصفحات دیگر این نشریه نیز آمده است.

درطی این نشست ، ضمن دعوت این گروه از انجمن کارگران پناهنده جهت شرکت در "کنفرانس بین‌المللی اتحادیه های مستقل کارگری"، یکی ازافراد این گروه توضیحاتی راپیرامون این‌کنفرانس وهدف ازبرگزاری آن داد. همچنین درمورد وضعیت طبقه کارگر انگلستان ومبارزات آنها درچند سال گذشته ، تجارب ودستاوردهای آنها صحبت کرد.

ما، ازاینکه ، بازگوئی وانتقال تجارب مبارزاتی کارگران سخنرانی وی راباارزش ودرجهت منافع کارگران سراسر جهان ودر دفاع ازحقوق کارگری میدانیم، بنابمقتضاء صفحات نشریه وامکانمان، قسمتهائی از سخنان ایشان رادر زیر درج میکنیم:

وی ابتدا پس از صحبتهائی که پیرامون کنفرانسهای قبلی، اهداف ودستاوردهای‌آنها درگذشته، کرد، تقریبا جمعبندی وبررسی ای از کار و فعالیتهای گذشته این کنفرانسها داد. وبه پشتوانه همین اهداف و فعالیتهای گذشته "کنفرانس بین المللی اتحادیه های مستقل کارگری" به اهداف آتی کنفرانس ومسائلی که باید درکنفرانس بعدی مطرح شوند اشاره کرد. این قسمت ازسخنانش رابا سئوالی که خود ، "سئوال مهم در مقابل طبقه کارگر" میدانست، شروع نمود:

..."ما میخواهیم این مسئله را جهانی کنیم، از اروپای شرقی گرفته تا آفریقای جنوبی، از شوروی تا آمریکا و کلا" در سطح جهان ــ این کنفرانس جهانی خواهد بود. ما میخواهیم رهبران اتحادیه را وادارکنیم بر علیه قوانین ضد کارگری و ضد اتحادیه‌ای موضع مشخص بگیرند و جلوی هجوم دولتها علیه کارگران را بگیرند. مشکل این است که دولتها هر روز قوانین کارگری را محدودتر و دست و پاگیرتر میکنند، و رهبری اتحادیه‌ها در این رابطه غیر فعال هستند."

..." تجربه شما در مورد ایران و به خصوص صحبتی که در کنفرانس سال گذشته در مورد شوراها در مقطع انقلاب ایران در سال ۷۹ ــ داشتید دارای ارزش زیادی است. ما از شما میخواهیم که این تجربیات را در کنفرانس بازگو کنید چون به تشکلهای مستقل کارگری و جدا از ــ دولتها بر میگردد، برای بقیه کارگران بسیار آموزنده است. این تجربیات را بنویسید و به ما بدهید تا در نشریات اتحادیه‌ای چاپ کنیم..." وی در ادامه به مسائلی که باید در کنفرانس بعدی مطرح شود اشاره کرد و گفت:

"... سه مسئله مهم درکنفرانس مطرح خواهد بود:

۱ــ تشکلهای مستقل.

۲ــ دمکراسی درون تشکلها.

۳ــ مسائل بین‌المللی طبقه کارگر.

www.iran-archive.com

ما بابسیاری از اتحادیه‌ها درکشورهای مختلف تماس گرفته‌ایم که دراین کنفرانس شرکت خواهند کرد. اکثرشرکت کنندگان از رهبران اتحادیه ها هستند..."

وی سپس به موقعیت طبقه کارگر انگلستان وسوابق مبارزاتی آن اشاره کرد وافزود:

"... موقعیت طبقه کارگر انگلستان حالت کلیدی دارد. علیرغم همه کمبودها ونارسائیها، این طبقه دارای آگاهی بس والائی است وخودرامستقیما درمقابل طبقه حاکم می بیند...

طبقه کارگر انگلستان دستاوردهائی داشته است که رژیم‌میخواهد آنهاراپس بگیرد. رژیم سعی میکند تااتحادیه‌هاراازبین ببرد، رهبران رامنزوی کند، وبیاآنها را دراختیار خود بگیرد... دولت بعدازاعتصاب پرشکوه معدنچیان درسالهای ۸۵ــ ۸۴ قوانین ضدکارگری رابتصویب رساند وطبقه کارگر باوضع موجود به مخالفت برخاست..."

وی درادامه سخنانش به مثالهای زنده ازدستاوردهاو تجارب مبارزاتی شان اشاره کرد: "... من دیشب درجلسه معدنچیان بودم. یکی ازحاضرین به"اسکارگیل" (دبیراتحادیه معدنچیان)گفت: شمادراعتصاب گذشته شکست خوردید... آرتورجواب داد: "شماغافلید، اعتصاب معدنچیان سازماندهی جدیدی رابوجودآورده که بزرگترین تغییرات رادرآینده، درجنبش کارگری انگلستان بچشم خواهید دید...'

.... مثلا درده سال گذشته پس ازمعدنچیان، کارگران چاپ بودند که یك سال ونیم دراعتصاب بودند. یاملوانان کشتی قدیمی ترین اتحادیه‌ها ورادیکال ترین کارگرها رادارا هستند. اینها درسال ۱۹۴۷ توانستند قوانینی ازپارلمان بگذرانند که طبق آن قانون، دولت کار آنها را مادام العمر تضمین کرده بود. اما دوسال قبل "دولت تاچر" این قانون راملغی کرد ورهبران TUC وحزب کارگر هیچ کاری نکردند. این وضعیت باعث شد که علاوه برتشکلهای اتحادیه‌ای، تشکلهای دیگری نیز بوجود بیاید، مانند تشکل کارگران ساختمانی که بخش مهمی ازآنها ایرلندی هستند، وکمیته‌ای بنام"کمیته ایمنی ساختمان" تشکیل دادند. این کمیته آنقدر پیش رفته که توانسته است رهبران فاسد رافاش کرده ودردوربعدی آنها ازمقامشان کنار بگذارد...

...مسئله دیگر مسئله‌کارگران سکوهای حفاری نفت است. دوشنبه هفته گذشته قرار شد که اتحادیه شان راتشکیل دهند. حزب کارگر آنها را به"برایتون" یکی ازشهرهای‌انگلیس فراخواند و به آنها گفت که اتحادیه راتشکیل ندهند. رهبری کمیته نفت تصمیم گرفته تا نظراتش رابه پیش برد، وقطعا مبارزه شدیدی درنفت شمال بوجود میآید. حال اگر، اتحادیه ها مبارزه راپیش نبرند، خود کارگران است بحرکاتی خارج ازاتحادیه می زنند وبه مبارزاتشان ادامه میدهند. درآینده از تجمع این بخشها تشکیلات جدیدی بوجود میآید که درمقابل TUC خواهد ایستاد."

ایشان سپس به یورش بورژوازی و حمله سراسری آن به طبقه کارگر و سازماندهی جدید و سراسری‌اش جهت باز پس گیری دستاوردهای کارگرانی که در سالهای پیش بدانها دست یافتند اشاره کرد و گفت:

..." در این رابطه با توجه به تجربه دو سال گذشته ملوانان کارشان و تشکلشان را از دست ندادند.

... چه اتفاق افتاده که این وضع بوجود آمده است؟ ... چراکه این قوانین ضدکارگری درسطح بین المللی درحال پیدایش است. ازجمله اخیرادرسوئد، فنلاند وهلند وکشور شما (ایران). اما فرق بین انگلستان وایران این است که دولت انگلستان خودرا مظهر دمکراسی میداند ولی دولت ایران خودرامظهر سرکوب!"

وی درپایان‌به چگونگی مبارزه ومقاومت دربرابر هجومهای بورژوازی ودولتهای آنهااشاره کرد وگفت:

"... موضوع اصلی این است که رهبران کارگران درسطح جهان بایستی تجربیات خود راجمعبندی کنند ونتایج آنرا دراختیار کارگران بگذارند. بنابراین تجربیات شماازنظر مادرسطح جهانی میتواند معنی پیدا کند. وقتی شما دراین کنفرانس تجربیات خودتان رابیان میکنید، ازطریق رهبران شرکت کننده به طبقه کارگر جهانی انتقال خواهد یافت وطبقه کارگرازاین دستاوردهاو تجربیات استفاده خواهد کرد. شما بعنوان یکی ازفعالین جنبش کارگری کشورتان، وقتی مسائل رابازگو کنید، رابطه متقابلی بوجود خواهد آمد که دیگران نیز تجربیات غنی خود را دراختیار شما بگذارند، واز خواست کارگران کشورتان حمایت عملی کنند.

بنابراین شرکت شمادراین کنفرانس راهگشای پیوند شما باطبقه کارگر جهانی است، زیرا شرایط بوجود آمده درسطح جهان نشان میدهد که هجوم به دستاوردهای طبقه کارگر شکل جهانی بخود گرفته است، وتنها مبارزین بین‌المللی طبقه کارگر وتبادل فکری دراین رابطه است که میتواند جلوی این هجوم رابگیرد."

قطعنامه شعبه نیوکاسل نالگو

این شعبه در نظر میگیرد که :

جمهوری اسلامی ایران بعد از یك دهه،قانون کاری را به تصویب رسانده که تمام اصول و استانداردهای پذیرفته شدهٔ بین‌المللی را نفی میکند.

کارگران ایرانی از حق تشکل مستقل و از حق هرگونه اعتراض منجمله اعتصاب محرومند. هر اعتراضی بلافاصله با سرکوب خشن پلیس، اخراج، دستگیری و اعدام روبرو میشود. در نتیجه در طی چند سال گذشته، بیش از ۵۰۰ نفر از فعالین کارگری رهبران و دیگر کارگران اعدام شده و تعداد بیشتری مجبور به مهاجرت گشته‌اند.

به استثنای فعالیتهای زیر زمینی کارگری هیچگونه تشکل مستقل کارگری در ایران وجود ندارد و شرایط کارگران زن به مراتب بدتر از کارگران مرد میباشد.

با محکوم کردن جمهوری اسلامی ایران، این شعبه تصویب میکند که از NALGOخواهد که نکات زیر را از تصویب TUC بگذراند.

۱ــ هیئتی، زیر نظر سازمان بین‌المللی کار (ILO)، به ایران اعزام شود تا به مسائل کارگران رسیدگی کند. یك گروه از فعالین و رهبران کارگری ایرانی که سابقه فعالیت بیش از ۲۰ سال دارند و در حال حاضر مجبور به زندگی در مهاجرت هستند باید این گروه را همراهی کنند.

۲ــ اگر نکات فوق توسط هیئت اعزامی تائید شود، اخراج جمهوری اسلامی از سازمان بین‌المللی کار باید در دستور کار کنفرانسILO قرار گیرد.

۳ــ در صورت تصویب اخراج جمهوری اسلامی از سازمان بین المللی کار، نمایندگانی از انجمن کارگران پناهنده ایرانی به کنفرانس فرا خوانده شوند.

ما همچنین تصویب میکنیم که:

الف ــ این قطعنامه را به کمیتهٔ بین المللی منطقهای NALGO تسلیم کنیم.

www.iranarchive.com

ب ــ این قطعنامه را به کمیتهٔ منطقهای NALGO تسلیم کنیم.
ج ــ این قطعنامه را به شوراهای کارگری نیوکاسل و ساندرلند تسلیم کنیم تا توسط آنها به CATC (شورای سراسری نمایندگان اتحادیه‌ای نالگو) و از این طریق به بخش شمالی TUC فرستاده شود.
د ــ قطعنامه را به کنفرانس سرتاسری NALGO در سال ۱۹۹۲ تسلیم کنیم.
هـ ــ تمام مدارک و جزوات در این زمینه را همراه با این قطعنامه به کمیته‌های فوق ارسال کنیم.

باتفاق آرا تصویب شد

کنفرانس زنان نالگو ــ قطعنامه اضطراری

جمهوری اسلامی ایران بعد از یک دهه حاکمیت همچنان حق پایه‌ای کارگران ایران را برای تشکل مستقل و حق هرگونه اعتراض و حرکتی را نفی میکند.

طی چند سال گذشته بیش از ۵۰۰ نفر از فعالین و معترضین کارگری اعدام شده و تعداد بیشتری مجبور به تبعید شده‌اند. در حال حاضر بیش از سه میلیون ایرانی در کشورهای دیگر پناهنده هستند.

زنان در وضع به مراتب بدتری از مردان به سر میبرند و از شرایط خفقان در خانه و محل کار رنج میبرند.

این کنفرانس در نظر میگیرد که :

۱ــ یک ماه پیش ج. ا. ا. قانون جدیدی را به تصویب رساند که به زنان فقط حق کار نیمه وقت میدهد. (معلمین و پرستاران از این قانون مستثنی هستند) این ضربهٔ دیگری به زنان ایرانی است، که در شرایط بسیار مشکلی زندگی میکنند.

۲ــ در اکتبر دولت بار دیگر بر علیه زنان عمل کرده و آنان را از ورود به ۵۰ رشته تحصیلی عالی علمی، مهندسی و حقوق منع کرد.

در نتیجه این کنفرانس خواستار نکات زیر است:

۱ــ کنفرانس از کمیتهٔ زنان NALGO میخواهد که به سفارت جمهوری اسلامی در لندن و وزارت کار در تهران نامه نوشته و به قوانین ستمگرانه و ضد کارگری اخیر اعتراض کند.

۲ــ ما از NALGO میخواهیم که از دیگر اتحادیه‌های کارگری و TUC بخواهد که اقدامات دولت ایران را محکوم کند.

۳ــ ما از خواسته انجمن کارگران پناهندهٔ ایرانی، در مورد فرستادن هیئتی تحت نظر کنفرانس بین‌المللی کار همراه با نمایندگان کارگران پناهندهٔ ایران برای رسیدگی به مشکلات کارگران ایرانی حمایت میکنیم.

علیه استرداد پناهندگان ایرانی در ترکیه

در پی دریافت خبر دستگیری ۱۰۴ نفر از پناهندگان ایرانی در ترکیه و احتمال استرداد آنان به ایران، انجمن کارگران پناهنده ــ واحد شمال انگلستان ضمن تماس با دبیر کنگره اتحادیه‌های کارگری منطقه شمال شرقی TUC، خواهان اعتراض این اتحادیه بر علیه سیاست ضد پناهندگی رژیم ترکیه و استرداد پناهندگان ایرانی شد. دبیر کنگره ضمن تماس با آقای والش (دبیر کل امور بین المللی اتحادیه‌های انگلیس) متنی را در اعتراض بر علیه سیاست دولت ترکیه تنظیم و به آنکارا ارسال نمود.

همچنین در همین رابطه نماینده انجمن با مسئول بین المللی اتحادیه نعلگو تماس گرفت و حمایت این اتحادیه را که حدود ۱۴۰۰۰۰۰ عضو دارد، از پناهندگان ایرانی جلب نمود. مسئول منطقه شمال این اتحادیه با تنظیم و ارسال متنی، اعتراض خود را به سیاست ضد پناهندگی دولت ترکیه بیان نمود.

در راستای دفاع از حقوق پناهندگان ایرانی در ترکیه، انجمن با منشی استیون هیوز (۱) تماس حاصل نمود و ایشان را در جریان احتمال استرداد پناهندگان ایرانی قرار داد. وی ضمن توجه به صحبتهای رفقای ما در لندن و همدردی با آنها، خاطر نشان ساخت که روز ۱۷ ژانویه مسئله فوق از طریق آقای استیون در پارلمان اروپا مطرح شده وایشان با ارسال نامه‌ای در این باره به دولت ترکیه اعتراض نمودند.

همچنین اعضای انجمن کارگران پناهنده با کانون ایرانیان در لندن تماس گرفته و با فراخوان آنها آکسیون ایستاده‌ای در مقابل دفتر هواپیمائی ترکیه برپا کردند. در این آکسیون تعداد زیادی اعلامیه و اطلاعیه در اعتراض به استرداد پناهندگان بین مردم توزیع شد.

۱ــ استیون هیوز: نماینده پارلمان اروپا و رهبر دوم گروه سوسیالیستها در این پارلمان است. وی عضو حزب کارگر انگلستان میباشد.

شرکت در تظاهرات علیه نژاد پرستی

روز شنبه ۱۹ ژانویه تظاهراتی بر علیه راسیسم و به نفع حقوق پناهندگی در لندن برگزار شد. در این تظاهرات که به دعوت اتحادیه دانشجویان انگلستان صورت گرفت بیش از ده هزار نفر شرکت کردند.

انجمن کارگران پناهنده ــ واحد لندن نیز در جهت دفاع از حقوق اجتماعی پناهندگان و مبارزه با نژاد پرستی فعالانه در این راهپیمائی شرکت نمود.

از جمله خواستهها و شعارهایی که در این تظاهرات مطرح شد میتوان به :

پذیرش همه متقاضیان پناهندگی، قوانین نژادپرستانه لغو باید گردد، لایحه ضد پناهندگی را تصویب نکنید، دولت انگلستان، دولتی نژادپرست است، دولت نژاد پرست سرنگون باید گردد، هجوم راسیستها را با هجوم جواب میدهیم، دیوارهای قلعه اروپا را به زیر بکشید، مرزها را بکشائید و ... اشاره کرد.

این راهپیمائی ۳ ساعت ادامه داشت. بعد از پایان تظاهرات جمعیت در هاید پارک لندن تجمع کرده و سخنرانیهایی ترتیب دادند.

متأسفانه در این راهپیمائی که در جهت دفاع از حقوق مهاجرین و پناهندگان بود، تعداد بسیار کمی مهاجر و پناهنده (حدود ۲۰۰ نفر) شرکت کردند. در صورتی که چند میلیون نفر مهاجر و پناهنده در انگلستان زندگی میکنند.

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران سراسر جهان

www.iran-archive.com

جمع بندی تجربیات کارگری

گفتگو با یکی از کارگران مجتمع کفش ملی

دنباله از صفحه اول

ج: اجازه بدهید قبل از اینکه درباره جنبش کارگری در مجتمع صحبت کنیم، اندکی پیرامون خود مجتمع توضیحاتی بدهم. مجتمع تولیدی کفش ملی در جاده قدیم کرج ـ تهران و در محله‌ای بنام اسماعیل آباد قرار گرفته‌است. دفتر اداری آن نیز در سرآسیاب مهرآباد واقع شده‌است.

این مجتمع تولیدی ۲۲ واحد مختلف را زیر پوشش خود دارد که عمدتا در آنها مدلهای گوناگون کفش تولید می شود. از جمله این واحدها می‌توان از چکمه ملی، شرکت فارس، شرکت شاهد، شرکت پویا، سرپائی ملی و کفش صنعتی نام برد. در هریك از این واحدها کارگران به مشاغل گوناگونی مثل کارکشی، خیاطی، برش، لیویز، پرس، آسیاب، پیو، مدل سازی، فی‌نی شینگ و ... می پردازند.

این مجتمع جمعا ۱۳۵۰۰ پرسنل اعم از کارگر و کارمند در استخدام دارد. از لحاظ حقوقی، رفاهی، بهداشتی و ایمنی می توانم بگویم که کارگران این مجتمع حتی نسبت به کارگران سایر کارخانجات مثل شرکت نفت، ایران خودرو، تولیددارو، داروپخش و ... در محرومیت بیشتری قرار دارند. علاوه بر این در مجتمع فوق فشارهای اداری و انضباطی شدیدی به کارگران تحمیل می شود.

اما درباره وضعیت عمومی جنبش کارگری در این مجتمع باید عرض کنم که بعد از انقلاب ۵۷ مبارزات کارگران کفش ملی چه به لحاظ کمیت و چه از لحاظ کیفیت قابل توجه می باشد. کارگران این مجتمع در جنبش کارگری ایران طی سالهای دهه ۶۰ نقش فعالی ایفا نموده‌اند. چنانکه در طی این دهه، سه اعتصاب مهم به ترتیب در سالهای ۶۰، ۶۶ و ۶۸ در این مجتمع به وقوع پیوسته است که هر کدام از این حرکات، رژیم جمهوری اسلامی و عوامل آنرا به وحشت انداخته است. می توانم بگویم این مبارزات از آنچنان عمقی برخوردار بودند که در یك دوره مشخص مایه پشتگرمی جنبش کارگری ایران گشت.

س: شما گفتید که وضعیت حقوقی و شرایط رفاهی کارگران این مجتمع حتی نسبت به کارگران سایر صنایع در مرتبه پائین تری قرار دارد، می توانید به صورت مشخص این تفاوت را بیان کنید؟ همچنین منظورتان از فشارهای اداری و انضباطی شدیدی که به کارگران این مجتمع تحمیل می شود، چیست؟

ج: مسئولین مجتمع به مسائل بهداشتی و ایمنی درون کارخانه‌ها بی‌توجهند. مثلا کارگر می بایستی برای بدست آوردن حداقل‌ترین وسایل ایمنی مثل کفش و دستکش بارها به مسئولین مربوطه مراجعه کند و معمولا نیز با جواب سربالای آنها روبرو شود. حمامها اغلب آب گرم ندارند و ما اغلب ناچار میشدیم با آب سرد حمام کنیم. شیری که روزانه یکبار برای رفع سموم بدن توزیع می شود، در کارخانه مرتبا قطع می شد. تهویه کارخانه ناقص بود. سرویس رفت و برگشت برای برخی از کارگران دایر نبود. درمانگاههای مجتمع به نیازهای درمانی کارگران و خانواده‌هایشان بی‌توجه بودند و غیره.

از لحاظ مبلغ دستمزد نیز من با ده سال سابقه کار ماهانه ۷ هزار تومان می گرفتم که با کسر مالیات، بیمه و سایر کسورات حدود ۶ هزار تومان سربرج دستم را می گرفت. این مسئله میزان پائین دستمزد در مجتمع را می رساند. طرح طبقه بندی نیز در مجتمع پیاده نشده بود.

تذکر: هیئت تحریریه نشریه از تمامی کارگران تبعیدی تقاضا دارد که تجربیات کارگری خود را در اختیار ما قرار دهند تا در نشریه به چاپ رسد.

درحالیکه این طرح در بسیاری از کارخانجات که از لحاظ نفرات از کفش ملی پرسنل کمتری دارند اجرا میشد.

سخت گیری های انضباطی نیز در مجتمع با شدت هرچه بیشتری پیاده می شد. چنانکه اگر یکی از کارگران با یك ربع تاخیر به کارخانه می رسید با شدت عمل به او برخورد می شد.

س: درباره اعتصابات سالهای دهه ۶۰ برای ما صحبت کنید!

ج: دلیل اعتراض سال ۶۰، دستگیری ۴۲ تن از نمایندگان کارگران بود. این ۴۲ نفر یکماه مانده بود به عید، جلسه‌ای به منظور کسب حق تولید سالیانه و راههای پیشبرد آن تشکیل داده بودند که در همان جلسه توسط نیروهای رژیم دستگیر می شوند.

پس از اینکه کارگران از دستگیری آنان مطلع شدند در محیط مجتمع به تظاهرات پرداخته و ۲ ساعت از حرکت سرویس ها جلوگیری کردند. علاوه بر این حدود ۴۰۰ نفر از کارگران بعد از پایان زمان کار مجتمع را ترك نکردند و به اعتراض خود ادامه دادند. آنها یك نفر از اعضای هیئت مدیره را به گروگان گرفتند. البته این موضوع را نیز ذکر کنم که بعد از دستگیری نمایندگان، چون کارگران در مقابل عمل انجام شده قرار گرفته بودند، برنامه مشخص و حساب شده‌ای برای مقابله با این عمل نداشتند. همین امر باعث شد که عجولانه برخورد کرده و با گروگان‌گیری خود بهانه بزرگی به دست رژیم بدهند.

بهرحال پاسداران وارد صحنه شدند و با خشونت ۴۰۰ نفر کارگر را محاصره کردند و با پرتاب گاز اشك آور مدیر را رها ساختند. این مسئله باعث شد که هر ۴۰۰ نفر شناسائی شوند، چون اسامی و مشخصات همگی آنها از سوی نیروهای رژیم ضبط شد و بدینسان کارگران مبارز و مقاوم تر علنا لو رفتند.

اعتصاب کارگران در سال ۶۶، بر علیه افزایش ساعات کار و مسئله جابجائی وقت صبحانه و ناهار آغاز شد و بتدریج خواسته های دیگری نیز مثل اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و پرداخت حق تولید مطرح گردید.

زمینه اعتصاب بدین ترتیب فراهم آمد که در فروردین ماه سال ۶۶، اطلاعیه‌ای از سوی هیئت مدیره به دیوار کارخانه نصب شد که در آن ذکر شده بود از روز ۹ خرداد ماه تا ۳۱ شهریورماه، مدت کار روزانه باید از ۸ ساعت به ۱۰/۵ ساعت افزایش یابد.

از همان روزی که کارگران از قصد مدیریت مطلع شدند، زمزمه‌های مخالفت آمیز آنها فضای کارخانه را آکنده کرد و بتدریج کارگران پیشرو هماهنگی لازم را جهت یك حرکت اعتراضی در سراسر مجتمع پدیدار نمودند.

از جمله شیوه‌هائی که کارگران پیشرو در این میان به کار می بردند، صحبت و گفتگو با سایر کارگران در سرویسها، (جهت آماده نمودن ذهنیت آنها برای یك حرکت اعتراضی) نوشتن شعار روی در و دیوار و دستشوئی‌ها و نوشتن تراکت و پخش مخفیانه آن در منازل کارگران و ... بود.

بهرحال در طی پروسه فروردین ماه تا ۷ خرداد ماه کارگران خود را برای مقابله با تعرض کارفرما به حقوقشان آماده می کردند، تا اینکه ۷ خرداد ماه ۶۶ از بلندگو های کارخانه اعلام شد که روز شنبه

www.iran-archive.com

۹خرداد۶۶، ساعت رسمی کار از۶ بامداد آغاز وتا۴/۵ بعدازظهر ادامه خواهد یافت.

کارگران شرکتهابعد از شنیدن این اطلاعیه باهو کردن، اعتراض خود را به این طرح اعلام نمودند.

۹ خرداد، یعنی روز موعود فرارسید. زنجانی رئیس هیئت مدیره مجتمع کفش ملی واردکارخانه شاهد شدو ضمن ترتیب دادن یک سخنرانی،رسما افزایش ساعت کار رااعلام وآنرا توجیه کرد.

کارگران اعتراض خودرا باعدم شرکتشان درآن سخنرانی نشان دادند. تقریبا ۸۰ درصد کارگران جلسه سخنرانی راتحریم کردند.

تغییرساعت کارروزانه وتطویل کردن آن، طبیعتا تغییرساعت صرف غذا رانیز بدنبال خود داشت. ازاینرو کارگران از صرف غذادرساعتی که مدیریت تعیین کرده بود، خودداری کردندو رسمیت آنرا نپذیرفتند. درهمین روز کارگران شرکت شاهد طبق معمول روزهای قبل ، ساعت ۲ بعدازظهر دست ازکار کشیدند و بااجتماع خود، کارگران شرکت فارس رانیز به سوی خود جلب کردند. بدین ترتیب علناعتصاب آغاز میشود.

اعتصاب سال۶۸ ، به منظور بهاجرا درآوردن طرح طبقه بندی مشاغل آغاز شد. همانطور که قبلا نیزذکر کردم، طرح طبقه بندی مشاغل درجریان اعتصاب سال۶۶، نیز یکی ازخواستههای فوری کارگران بود.زنجانی رئیس هیئت مدیره گروه نیز درسال۶۶ وعدهداده بود، این خواسته کارگران رااجراخواهدکرد امااز آنجا که وعدههای هیئت مدیره مانند وعدههای سایر همپالگی هایشان مانندوزارت کار ، شوراهای اسلامی، انجمن های اسلامی و... چیزی جز حقه ونیرنگ شرم آورنبود، طرح به اجرا در نیامد وازاینرو کارگرانی که نیز بهوعدههای توخالی آنهها باور داشتند دراین پروسه ۲ ساله توهم آنها زدوده شد. بهرحال کارگران برای بهاجرا درآوردن طرح طبقه بندی وعقب افتادگی آن وهمچنین خواسته افزایش دستمزد با اتکا به نیروی خودشان روز سه شنبه ۱۲ دیماه۶۸ اعتصاب خود رااز شرکت کفش آزاده آغاز کردند. این اعتصاب تا تاریخ۲۳ دیماه۶۸ ادامه داشت ودر این مدت اعتصاب بتدریج سراسر مجتمع را دربر گرفت.

س: این اعتصابات درهر سه دورهای که ذکر کردید، از کدام شرکت ها شروع شدندو چگونه گسترش یافتند؟

ج: درسال ۶۰ ازچکمه ملی و۶۶ ازشرکت شاهد شروع شد و بدنبال آن کفش صنعتی، شرکت آزاده،کفش فارس وبه همین ترتیب سایر گروهها آمدند. درسال۶۸ کارگران مبارزاتخودرا از شرکت آزاده و شرکت شاهد شروع کردند که بتدریج شرکت پویا، کفش صنعتی وسایرین نیز به آنها پیوستند.

س: خواستههاوشعارهای کارگران درطی اعتصابات چه بود؟

ج: مهمترین شعارهای کارگران به ترتیب زیر بودند:

"انجمن قلابی منحل باید گردد." (منظور انجمن اسلامی است)، "مرگ بر زنجانی"، "حق‌تولید پرداخت باید گردد."، "۶تا۲" (یعنی رسمیت ساعت کارنه ازساعت ۶ تا۴/۵ بعدازظهر بلکه همان ساعت ۶ تا۲ بعدازظهراست)، "کارگرزندانی آزاد بایدگردد."، "اتحاد- اتحاد- کارگران اتحاد." ، " مرگ برجاسوس" (درمقابل انجمن های اسلامی این شعار طرح شده بود)، "کارگر حیاکن،آل یاسین رارها کن." (این شعاردرمقابل طیفی‌ازکارگران بود که همکاری وهماهنگی بااعتصاب نداشتندودرخدمت مدیریت عمل می کردند.) ، "طبقه بندی مشاغل اجرا باید گردد."، " کارگران بیدارند، ازمفت خوران بیزارند."

س: نقاط قوت این اعتصابات ازنظرشما چیست؟

ج: به طور کلی نقاط قوت کارگران رامی توان چنین بیان کرد:

۱ــ کارگران توانستند در استبدادی ترین شرایط ودرموقعیت سرکوب وخفقان مطلق، قدرت خود را بوسیله اعتصابات وتظاهرات به نمایش بگذارند.

۲ــ اگر درسال۶۰ هنوز کارگران برای پیشبرد خواسته هایشان چشم امیدی به مراکز ومقامات رسمی دولتی داشتند، درحرکات سالهای۶۶ و۶۸ هیچگونه توهمی نسبت به رژیم ومزدوران آن ازسوی اعتصابیون دیده نشد.

بگذارید دراین باره واضح تر صحبت کنم. دراواخر سال۶۰ هنگامی که کارگران کفش ملی برای آزادی نمایندگانشان از زندان اوین تظاهرات می کردند، خواهان این بودند که برای رسیدگی بهخواستههایشان جلوی مجلس شورای اسلامی ویا جلوی دفتر خمینی تحصن کنند. یعنی شکایت خود را ازهیئت مدیره کفش ملی نزد آنها برده وبرای آنها بازگو کنند. درحالیکه کارگران در تظاهرات سال۶۶ ، به جای اینکه عریضه وتقاضای خود رانزد مقامات رسمی ببرند، حرکات اعتراضی خود را ازداخل گروه به جاده قدیم کرج کشاندند وصدای خودرا به گوش کارگران سایر کارخانجات که درآن زمان باسرویس های خود ازسرکار برمی گشتند ، رساندند.

ملاحظه می فرمائیدتظلّم خواهی از مقامات قانونی کجاوروی‌آوردن به سایرکارگران کجا! این پراتیک باعث شد تا کارگران سایر کارخانجات قدرت‌همکاران خود را درعین مبارزه ببینند وازآنها بیاموزند.

۳ــ شما اگر دقت بفرمائید در می‌یابید که حتی با وجود یک تشکل کارگری، سازماندهی مبارزات کارگری از پیچیدگی خاصی برخوردار است. حال تصور این رابکنید که بدون این تشکل مسئله چقدرظریف وبغرنج می شود. بااین وجود کارگران پیشرو توانستند باتحرکات وابتکارات خود نسبتا براین نقیصه غلبه کنند. آنها باخروج وورودازاین شرکت به آن شرکت توانستنددرسطح گروه یک هماهنگی نسبی ایجاد کنند. این نکته نیز قابل ذکراست که درسال۶۶ این هماهنگی درشرایطی بوجودآمد که حتی درب های خروجی شرکت هاتوسط زنجیر قفل شده بود.

۴ــ ازآنجا که کارگران از دو اعتصاب سالهای۶۰ و۶۶ خود درسهاو تجارب گرانبهائی کسب کردند،درسال۶۸ نسبت به نقشهها ، مانورها، فریب هاو تهدیدهای نهادهای رژیم پختهتر وهوشیارترعمل کردند.

۵ــ کارگران درهردوره مبارزاتی خود، وقتی بهدستگیری‌و یا اخراج همکاران خود پی می بردند، بصورت مخفی وعلنی اقدام بهایجاد صندوق مالی اعتصاب (هرچند بامبلغ ناچیزی) می کردند. بنظرم این اقدام دوانگیزه رادنبال می کرد، اولا: به تجمع کارگران شکل پایدارتری می‌داد واین خود احساسات همدردی ونزدیکی میان کارگران راقوت می بخشیدوثانیا: ازاین طریق می توانستند بخش ناچیزی ازنیازهای‌خانوادههای کارگران زندانی ویا اخراجی رابرطرف کنند.

س: حال که نظرتان راپیرامون نقاط قوت حرکات کارگری بیان کردید، بعقیده شما چه ضعف هائی دراین مبارزات وجودداشت؟

ج: اگر بخواهم نقاط ضعف کارگران رادرروند مبارزه‌مبارزگو کنم ، بطورکلی چنین است:

۱ــ نداشتن یک تشکل واحد که باتکیه برآن بتوانند مبارزه رابخوبی هدایت کرده وروشهای مناسبی را درمقابل تعرضات وترفندهای سرمایه‌داران ومزدورانشان بکاربرند. این بعقیده من یکی ازمهمترین ضعف های جنبش ماست.

۲ــ ضعف بعدی مبارزه ما، نداشتن یک صندوق اعتصاب واحدوحساب شده بود.

www.iran-archive.com

این پارامتر کارگران (بخصوص کارگران‌میانی) راازادامه‌مبارزه بازمی داشت. آنهانگران بودندکه درصورت دستگیری وبااخراج، خانواده ــ هایشان بامشکلات بغرنج وطاقت فرسای مالی روبرو خواهندشد.

۳ــ بالاخره سومین ضعف کارگران این بود کههمانگونه که اعتصاب را حساب شده آغاز کردهبودند ،نتوانستند آنرا به پایان برسانند. آنهانتوانستند درتداوم اعتصابشان ، پیوند محکمی میان شرکتهای بزرگ و کوچك، حول خواستههایشان ازجمله آزادی کارگران زندانی برقرارکنند. برای نمونه می توان ازحرکت کارگران دراعتصاب سال ۶۶ بمنظور آزادی کارگران زندانی مثالی آورد. باوجود اینکه خواسته آزادی کارگران زندانی درابتدا یك خواسته عمومی بود، امادرتداوم این اعتصاب تنها کارگران شرکت شاهد بودند که برروی این خواسته (وازجمله آزادی نماینده شان) پافشاری کردند. همین پافشاری کارگران شرکت شاهد باعث شد که دادستان ناچار شود برای پایان بخشیدن به اعتصاب نماینده آنها راآزاد کندواین مسئله مهمی بودکه درسایرشرکتها بوقوع نپیوست.

س: مایلیم نظرشمارادرباره سطح آگاهی طبقاتی کارگران کفش ملی بشنویم.

ج: کارگران کفش ملی، همانگونه که اشاره کردم، بلحاظ کمی و عینی، نیروی قابل ملاحظهای را دردرون جامعه کارگری ایران تشکیل میدهند. اما بلحاظ ذهنی بنظر من بطور کلی آنهارامی توان به سه دسته تقسیم کرد:

دسته اول ، کارگران پیشروئی هستند که مبارزات کارگران راتنظیم ، سازماندهی وهدایت می کنند. متاسفانه تعداد این دسته ازکارگران درمیان کارگران مجتمع نسبت بهکارگران پیشرو درسایرصنایع مثل شرکت نفت یاذوب آهن اصفهان کمتر است.

دسته دوم، کارگرانی هستند که من آنها رادرحالت میانی می نامم. چراکه درروند مبارزه درحال نوسان هستند. این دسته از کارگران طیف وسیعی رادرمجتمع تشکیل میدهند. پایداری ، استحکام واستمرارحرکت مبارزاتی آنهارابطه مستقیم ویك خطی به چگونگی سازماندهی وهدایت دسته اول دارد.

دستهسوم ، کارگرانی هستند که درعقب ماندگی ذهنی بسر می برند. آنها اقلیتی رادرمیان کارگران مجتمع تشکیل میدهندودرخدمت کارفرمایان قراردارند.

س: نقش وشیوه برخورد نهادهای ارتجاعی مثل شورای اسلامی، انجمن اسلامی ، وزارت کار و... بطور مشخص درمقابل اعتصابات کارگران چگونه بود؟

ج: نقش این نهادها درمقابل حرکات کارگران بخصوص‌درمواقع اعتصاب وتظاهرات ، طبیعتا جز سرکوب و شکستن اعتصاب چیز دیگری نمی توانست باشد!

آنها باهمکاری یکدیگر وبطرق گوناگونی ازجمله ترتیب مجالس سخنرانی، صادرکردن اطلاعیه هائی علیه اعتصاب، راهانداختن‌دستگاهها درموقع اعتصاب ، توطئه چینی علیه اعتصاب، تهدیدهای مکرر، و بالاخره دستگیری کارگران، ضدیت خود رابامنافع کارگران تکرار کرده وخدمت گزاری و مزدوری خود را به سرمایهداران یك بار دیگر نشان دادند.

همچنین آنها درجریان اعتصابات کارگران، برای ضربهزدن به سازماندهی کارگران درسطح گروه، سه شیوه مشخص رابکار بردند که عبارت بودند از: الف ــ دستگیری وزندانی نمودن کارگرانمبارز ، ب ــ اخراج بخشی ازکارگران ، ج ــ جابجاکردن کارگران درشرکت های مختلف.

رژیم بااعزام ومستقرنمودن دادستانی درگروه کفش ملی درزمان اعتصاب ، همکاری تنگاتنگی رابین جاسوسان انجمن اسلامی ودادستانی برقرارنمودهبود. آنها پرونده کارگران مبارز رابررسی کردهولیست سیاهی ازمبارزین تهیهمی کردندو درعین حال سخنرانی های تهدیدآمیزی را سازماندهی می کردند. برای نمونه درسال ۶۸، مزدوران‌دادستانی‌در سخنرانی های خود به سرکوب کارگران شیکاگو اشاره کرده وچنین می گفتند: " اگرشما به سرکارهایتان نروید، بلائی به سرتان خواهیم آورد که به سر کارگران شیکاگو آوردند."

دراینجا لازم می بینم به این تجربهام اشاره کنم که ازآنجا که کارگزاران رژیم به این نکته پی بردهاند که چنانچه کارگران به این نتیجه برسند که بوسیله نیروی خودشان ودرعین مبارزه، خواسته هایشان رابه رژیم تحمیل کردهاند، بیشتر به نیروی خود وقدرت اعتصاب و اعترافی خودواقف خواهند شد. ازاینرو اگر هم بر اثر مبارزه کارگران ناچار به قبول خواستهای ازمطالبات آنان شوند، آنرا بعد از شکستن اعتصاب بهمورد اجرا می گذارند.

س: درباره دستگیری کارگران و شیوههائی که دراین مورد بکار بسته می شد، توضیحاتی بدهید.

ج: ازجمله شیوههائی که بکار می بردند می توان مواردزیر را نام برد:

۱ــ دادستانی مستقر درکارخانه ، برخی از کارگران رااحضار می کرد و یك برگه احضاریه برای معرفی به اوین دریك تاریخ مشخص برای آنها صادرمی کرد.

۲ــ دستگیری کارگران درداخل کارخانه وانتقال آنها به اوین،

۳ــ یورش به منازل مسکونی کارگران وانتقال آنها به زندان، این شیوه معمولا شبها صورت می گرفت. اکثردستگیریهای سال ۶۸ به همین طریق صورت گرفت، چراکه دادستانی درسالهای قبل تجربه کرده بود، اگر دستگیریها درداخل کارخانه صورت گیرد، به مراتب آتش مبارزاتی کارگران شعله ورتر خواهد شد.

۴ــ دستگیری کارگران داخل سرویس ها، هنگامی که از کارخانه به خانه بازمی گشتند.

س: نقش کارگران زن دراعتصابات چگونه بود؟

ج: قبل ازسال ۶۶ به دستورهیئت مدیره کفش ملی، اکثر کارگران زن رازیر لوای شرع اسلامی ،از شرکت های مختلف به قسمت خیاطی شاهد انتقال دادند.

بااین عمل اولا: مدیریت قصد داشت ارتباط تنگاتنگ مبارزاتی بین کارگران زن ومرد را قطع کند. ثانیا: باانتقال کارگران زن به یك شرکت وتجمع آنها، درهزینههایش صرفه جوئی می کرد، چراکهمکانهائی مانندمهد کودکها وشیرخوارگاهها، ازشرکتهای مختلف جمع شده ودریك شرکت تجمع می یافت. متاسفانه درمقابل این شگرد مدیریت،عکس العملی ازسوی کارگران صورت نگرفت . همین ضعف باعث شد که جدائی وفقدان پیوند کارگران، ضرباتی برمبارزات آنها واردنماید.

چنانکه یکی ازپارامترهائی که درشکست اعتصاب۶۸ شرکت شاهد عمل کرد، همین فقدان پیوند مناسب بین کارگران زن و مرد بود. زمانی که نهادهای مزدور رژیم ازغیاب کارگران مرد که برای صرف غذادرسالن غذاخوری تجمع کرده بودند، استفاده کرده و با تهدید و ارعاب کارگران زن راوادار نمودند تا چرخهای خیاطی رابکار اندازند. بکارافتادن چرخهای خیاطی درتضعیف روحیه کارگران تاثیر بسزائی گذارد. این بار دیگرتهدیدات مزدوران کارآتر شدصود وهمین عاملی شد که به مرور سایردستگاهها نیز بکار افتند.

س: اکنون می خواهم مسئله رابه صورت عمومی تری باشما مطرح کنم. جنبش کارگری ایران راچگونه می بینید؟

←

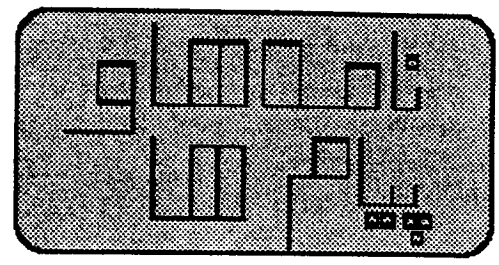

۱ــ هیئت تحریریه بولتن آغازی نو. با تشکر از درج پلاتفرم انجمن در نشریه‌تان ، امیدواریم بتوانیم با همکاری شما صدای کارگران کشورمان را بهتر به گوش سایر ایرانیان برسانیم.

۲ــ علی عزیز از دانمارک . نامه شما را با نظراتتان در مورد قانون کار بدستمان رسید. پس از جمعبندی نظرات سایر اعضا در مورد قانون کار، نظرتان را در اختیار سایر اعضا قرار خواهیم داد.

۳ــ یوسف از آلمان. نامه‌های شما همراه نظراتتان در مورد طرح صندوق تعاون را دریافت داشتیم. با تشکر از جدیت شما در این مورد، قطعا" این نظرات پس از جمع آوری نظرات بقیه دوستان ، مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

۴ــ حمید عزیز از آلمان. نامه‌ها ، توصیه‌ها ، نظرات شما را دریافت داشتیم. جدیت و پشتکار شما در کلیه زمینه‌ها باعث دلگرمی و پشتکار یکایک ما است. مسلما" نقطه نظرات شما که بسیار مفید است، مورد استفاده ما قرار میگیرد.

۵ــ منیر عزیز فنلاند. نامه‌های پی در پی شما همواره باعث دلگرمی ما است. مجموعه مقالات شما در مورد وضع کارگران فنلاند برای استفاده عموم در نشریه به چاپ میرسد. ضمن تشکر مجدد از پشتکار شما، منتظر نامه‌های شما هستیم.

۶ــ دوستان عزیز (ع ــ ح و ج ــ م) از سوئد. نامه‌تان را دریافت داشتیم و با تشکر فراوان از فرستادن مقالات ، امیدواریم همکاری ما هر چه بیشتر گسترش یابد. همواره منتظر نامه‌ها و نظرات شما هستیم.

۷ــ علی عزیز از هلند. نامه‌هایتان را دریافت داشته و منتظر نامه‌های بعدی شما هستیم.

۸ــ دوستان کارگر مستقر در (اتاوا ــ کانادا). نامه شما رسید. با تشکر از همکاریتان با انجمن ، امیدواریم نشریه به تعداد لازم بدستتان رسیده باشد.

۹ــ رفقای کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران. نامه‌های متوالی شما را دریافت داشتیم. از کمک شما در موارد مختلف که مورد درخواست ما بود، سپاسگزاریم.
امیدواریم در آینده این همکاری هر چه بیشتر گسترش یافته و بتوانیم با همکاری یکدیگر سمینارهای کارگری پربارتری برگزار کنیم.

۱۰ــ شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی ــ یونان. نامه‌های شما و مجموع نظراتتان را دریافت داشتیم. با تشکر از اعلام همکاریتان با انجمن ، منتظر دریافت نامه جدید از طرف شما هستیم.

۱۱ــ رفقای مستقر در کلن آلمان. با توجه به ابراز همکاری با انجمن ، تاکنون چند نامه برایتان ارسال داشته که هنوز جوابی دریافت نداشته‌ایم. امیدواریم بزودی نامه‌ای از شما داشته باشیم.

۱۲ــ رفقای واحد هامبورگ و فرانکفورت. منتظر جواب نامه‌ها از طرف شما هستیم.

۱۳ــ مرتضی عزیز ــ کانادا. با تشکر از نامه‌های متوالی، منتظر نامه‌های بعدیتان هستیم.

۱۴ــ محمود عزیز از دانمارک. با تشکر از اعلام همکاری با انجمن. تمامی مدارک خواسته شده برایتان ارسال شد.

هیئت هماهنگ کننده انجمن ــ لندن ۲۶/۱/۹۲

←

ج: به نظر من جنبش کارگری ایران را، دراین دوره مشخص باید از دو جنبه مورد ملاحظه قرارداد. ازیکسو دراثر بحران های اقتصادی وسیاسی ای که گریبانگیر رژیم است . این رژیم نه تنها قادر به پاسخگوئی به نیازهای طبقه کارگر نیست، بلکه برای مساعد نمودن شرایط انباشت درایران تعرض به سطح معیشت کارگران راادامه خواهد داد. درنتیجه کارگران برای تداوم زندگیشان چاره‌ای جز مبارزه ندارند.

افزایش مبارزات کارگران بعد از سال ۶۰ ، وضعیت جنبش کارگری را نشان میدهد ورژیم ازاین زمان درمقابل خود نه تعدادی گروه سیاسی، بلکه کارگران رامی بیند. دستگیری دسته ــ دسته کارگران و انتقال آنها بزندانها ، بیانگر این واقعیت است.

ازسوی دیگر دراین مقطع کارگران ایران فاقد تشکلات مستقل خود می باشند که بتوانند باتکیه برآنها ، توام بامبارزاتشان بانظم وقدرت بیشتری درمقابل تعرض رژیم وسرمایه‌داران به پیش بروند و حرکت تدافعی خودرا بحرکت تهاجمی تکامل بخشند. این مهمترین وگرهی ترین نقطه‌ضعف کارگران ایران است.

س: باتوجه به فقدان تشکلهای رسمی، مبارزه‌کارگران ایران ازچه ویژگیهائی برخوردارست؟

ج: بعقیده من مبارزات کارگران ایران ازویژگیهای خاصی برخوردار است.

کارگران ازیک طرف می باید برای ابراز وجود وکسب خواسته ــ های ضروری وآنی خود مانند: افزایش دستمزد، کاهش ساعت کار، بهبود شرایط کار، حق تولید وغیره دست به اعتصاب بزنندو ازطرف دیگر اعتصاب درایران غیرقانونی است ورژیم استبدادی جمهوری اسلامی باتمام قوا درمقابل آنها قرارگرفته است.

دراین میان کارگران برای پیشبرد مبارزات خود، راه دیگری ندارند جزاینکه حرکتهای خود رابه شکل (مخفی ــ علنی) به پیش ببرند ودرادامه اینگونه حرکتهاست که کارگران می توانند این تناقض را حل کنند. یعنی مهم ترین واساسی ترین خواسته‌هایشان (ازجمله تشکلات رسمی) رابه رژیم تحمیل کنند.

تجربیات گذشته (بخصوص ازسال ۶۰) چنین روشی رااصولی و واقعی تر نشان داده است. کارگران پیشرو علیرغم وجود تشکل های مستقل خود، هم اکنون نیز توانسته‌اند توسط بخشی ازکارگران پیشرو نطفه‌هائی ازنوعی رابطه ارگانیک بین خود بوجودآورند وعمدتاحرکتهائی که درجریان اعتصاب صورت می گیرد به وسیله محافلی به پیش برده‌میشود که ازهمین رابطه ارگانیک سرچشمه گرفته‌اند.

۱۹۹۱/۱۲/۸

به دفاع ازمبارزات کارگران ایران برخیزیم!

www.iran-archive.com

«سیاست‌های کارگری» جمهوری اسلامی

به نقل از : آغازی نو

کیهان؛ ۲۰ خرداد ۱۳۷۰
تورج برون

ــ «دستیار محترم ذره‌بین‌چی سلام. بر اساس مصوبهٔ شورای انقلاب جمهوری اسلامی در تاریخ ۵۹\۱\۱۷ برای کارگران مجرد ۲۰۰ تومان، برای کارگران متأهل ۳۰۰ تومان و برای متأهل عیال‌وار ۴۰۰ تومان به‌عنوان هزینهٔ مسکن پرداخت گردید. اما به خاطر این که حداقل دستمزد یك کارگر بعد از گذشت ۱۱ سال از مرز ۵ هزار تومان چند ریالی گذشت، از اول امسال این مبلغ قطع گردید.
علیهذا در همین راستا مجلس شورای اسلامی پرداخت مجدد مبالغ فوق‌الذکر را بدون هیچ افزایشی تصویب کرد، در حالی که در هیچ نقطه از خاك ایران نمی‌توان مکانی را پیدا کرد که آن را به میزان ۳۰۰ یا ۴۰۰ تومان اجاره بدهند، ضمن این که اگر همین ۲۰۰، ۳۰۰، ۴۰۰ تومان که با طرح یك فوریت تقدیم مجلس شد، به‌عنوان هزینهٔ خرید دو کیلوگرم گوشت گرم تلقی گردد بدون شك بایستی لایحهٔ فوق مجددا برگردانده شود تا ما به الثفات آن به ترتیب: ۲۴۰ تومان برای کارگر متأهل عیال‌وار اضافه بشود، حال ببینیم بعضی مطبوعات این واقعیت را چگونه منعکس کردند:
روزنامهٔ جمهوری اسلامی دوشنبه ۷۰\۲\۲۳: کمك هزینهٔ مسکن کارگران افزایش یافت. روزنامهٔ اطلاعات دوشنبه ۷۰\۲\۲۳: به کارگران متأهل و مجرد ۷۰۰۰ ریال کمك هزینه مسکن تعلق خواهد گرفت.»

روزنامهٔ اطلاعات؛ ۹ اردیبهشت ۱۳۷۰
از کارگران مناطق نفت‌خیز جنوب

ــ «کارگران وزارت نفت بر خلاف کارمندان محترم که زیر نظر هیات مدیرهٔ شرکت ملی نفت می‌باشند، تحت پوشش شورای‌عالی کار هستند، لذا همین ناهماهنگی سبب عدم تعادل رفاهی بین دو قشر پرتلاش شده است. به طوری که ما کارگران مناطق نفت‌خیز جنوب از: مزایای شغلی، فوق‌العادهٔ ویژه، حق بدی آب و هوا و محرومیت از تسهیلات زندگی برخوردار نیستیم. اکنون که به حول و قوهٔ الهی اساسنامهٔ شرکت ملی نفت تقدیم مجلس شورای اسلامی شده است، جا دارد نمایندگان محترم نسبت به رفع این مشکل غایت لازم را داشته باشند.»

روزنامهٔ کارگر امروز؛ شمارهٔ ۱۴. خرداد ۱۳۷۰
آقای احمدی مدیر کارخانهٔ جوبیران:

ــ «تبصرهٔ ۱۳۷ قانون کار جدید از مفادی است که در صحنهٔ بین‌المللی به ما ایراد خواهند گرفت. چرا که این تبصره با مقاوله‌نامه‌هائی که ما امضاء کردیم مغایرت دارد. در این بند به هیأت دولت اختیار داده شده است که آئین‌نامه‌های شوراهای مرکزی و تشکیلات کارفرماها و کارگران و آئین‌نامهٔ انتخابات آن پس از تأئید هیأت وزیران به مورد اجرا درآید. این مطلب حتی در رژیم گذشته هم وجود نداشت.»

اعتصاب کارگران کشت و صنعت کارون و موضع روزنامه کار و کارگر

۲۰۰۰ کارگر فصلی نیز شرکت کشت و صنعت کارون شرایط کارفرمایان این شرکت را برای کار نپذیرفتند و خواهان دستمزد و دریافتی بیشتری شدند. آنها در مقابل عدم توافق مدیریت با خواسته‌هایشان دست از کار کشیده و به مناطق خود بازگشتند و با این عمل اعتراضی و یك پارچه خود کار تولید این شرکت را راکد گذاشتند.

شرکت کشت و صنعت کارون همه ساله کار نیروی در مزارع بیش از ۱۸ هزار هکتار نیشکر را با بکار گماردن هزاران کارگر فصلی به پیش می‌برد. این کار آن چنان شاق و توانفرسا است که کسی جز محروم‌ترین بخشهای طبقه کارگر را نمی‌توان به انجام آن وادار کرد و غالبا" برای این کار از کارگران فصلی و بصورت کنتراتی استفاده می‌کنند.

اگر نیاز شدیدی که این کارگران به دستمزد دریافتی این کار دارند را در کنار پراکندگی و بی‌ارتباطی تقریبا" کامل این بخش از کارگران در نظر آوریم، حرکت یکپارچه ۲۰۰۰ کارگر اعتصابی بیانگر ارتقاء مبارزات صنفی و اقتصادی آنان و نیز نشاندهنده گرایش مسلم و جدی آنان به اتحاد و حرکت دسته جمعی است.

با توجه به موقعیت جوی منطقه خوزستان و اینکه فصل پائیز بهترین زمان برای برداشت نیشکر محسوب میشود، استقامت و پافشاری کارگران در مقابل شرایط تحمیلی کارفرمایان، روزانه برداشت هزاران تن نیشکر را به معضل کارفرمایان شرکت تبدیل کرده است. همین امر که خود زیانهایی برای دولت جمهوری اسلامی و کارفرمایانش را بدنبال دارد باعث گردیده تا روزنامه "کار و کارگر" ارگان خانه کارگر جمهوری اسلامی را به واکنش وا دارد! این روزنامه در شماره ۲۳ آبان ۷۰ خود می‌نویسد.

"از کارگران عزیز، انتظار میرود که برای رسیدن به خواسته‌های صنفی خود حتی الامکان از این گونه شیوه‌ها که خسارات هنگفتی را متوجه جامعه می‌نماید، استفاده نکنند و مدیران نیز بایستی با اتخاذ شیوه‌های مناسب و جلوگیری از تبعیضات ناروا و ارائه حقوق قانونی کارگران، زمینه بروز چنین تشنجاتی را از بین ببرند."

اما چگونه است که این روزنامه زیان دولت و سرمایه‌داران را به عنوان "خسارات هنگفت جامعه" قلمداد میکند، ولی استثمار وحشیانه کارگران و بی‌حقوقی مطلق آنها را که منشأ اصلی مقاومت یکپارچه آنان و دلیل اصلی خسارات انسانی و تباهی جسمی و روحی کارگران است به عنوان خساراتی که سرمایه‌داران به کارگران تحمیل کرده‌اند، به حساب نمی‌آورد، و ازکارگران می‌خواهد که از تنها وسیله مقابله با ارزانی و تاراج نیروی کارشان (اعتصاب) دست بردارند.

این نه تنها منطق روزنامه "کار و کارگر" بلکه منطق همه مزدوران قلم بدست سرمایه است که زیان کارگر را، زیان به اجتماع نمی‌دانند، ولی زیان سرمایه‌داران و دولت آنان را زیان اجتماعی توصیف میکنند.

www.iran-archive.com

کارگران ایرانی در ژاپن

ژاپن؛ پول، کارشاق وجدال

رژیم جمهوری اسلامی ضمن تداوم سرکوبهای سیاسی و فرهنگی، شرایط اقتصادی مردم و بویژه کارگران کشور ما را در وضع اسفباری قرار داده، آنگونه که این وضعیت در یك یا چند مقاله و یا چندین بحث و گفتگو قابل تشریح نیست، و این چیزی است که کارگران ما با تمام وجود آن را لمس میکنند. این رژیم در سراسر سرزمین ما عرصه را چنان بر کارگران و زحمتکشان تنگ نموده که کارگران ما ناچار شده‌اند شبانه روز بدنبال نان بدوند و حتی در خارج از مرزها هم شده در جستجوی نان باشند.

مردم ما تصور میکردند پس از پایان جنگ ایران و عراق، که رژیم آنرا علت العلل فشار اقتصادی قلمداد میکرد، شرایط مناسبتری برای امرار معاش، کار و زندگیشان فراهم خواهد آمد. اما اینك، پس از زایل شدن این بهانهٔ رژیم، آنها شاهد تشدید این فلاکت اند، بطوریکه برای فراهم آوردن حداقلهای زندگیشان مجبورند راههای دشوارتری بجویند. وقتی با کار روزانه نمیشود نان شب بدست آورد، اضافه کاری و کار دوم! وقتی با کار دوم هم نمیشود، سه کار، و پیدا کردن راههای دیگر! نان سواره است و مردم پیاده! باید خود را به آب و آتش زد تا گرسنه نماند! و این چیزی است که تمامی شئون زندگی کارگران و زحمتکشان کشور ما را در معرض خطر قرار میدهد، ویژگیهای مردمی و سنتهای پایای مردم را خدشه دار میسازد. رژیم بدینوسیله تلاش دارد تا دید و بازدیدها، احترامهای متقابل، صداقت و فداکاری، گرمیهای خانوادگی و همکاریهای متقابل (که همانا از خصوصیات مردمی کشور ماست)، جای خود را به فساد، فحشا، بیتفاوتی، خیانت دوروئی و ناپاکی (که از مظاهر حکومتهای ضد مردمی مانند رژیم جمهوری اسلامی است) بدهد. در واقع رژیم اسلامی با تداوم سرکوبها، اینك حیثیت و انسانیت مردم را هدف گرفته، از خود بیگانگی، بیآیندگی، بیهدفی، تسلیم طلبی و دویدن برای نان شب را در سطح جامعه ترویج میکند.

با کشتار و شکنجه، رژیم،روشنفکران، کارگران پیشرو و تمامیت زندگی سیاسی و اجتماعی مردم ما را زیر ضرب گرفت و دهها هزار تن را به خون کشید

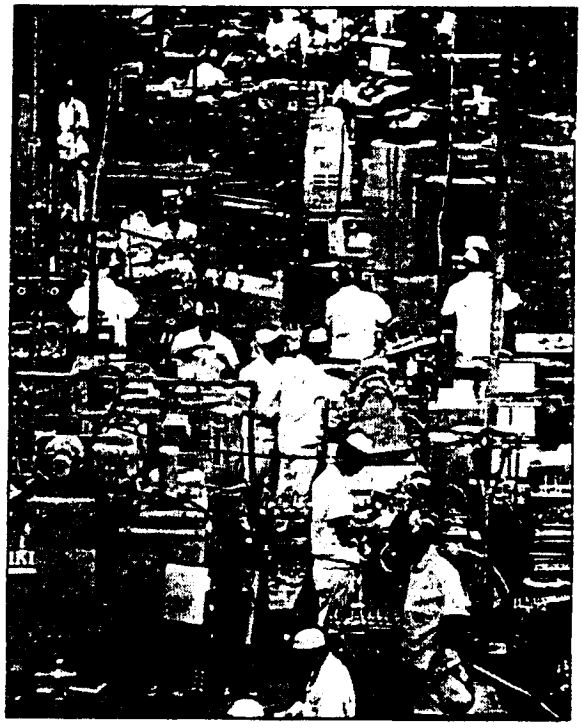

و درصد زیادی از مردم کشورمان را مجبور به مهاجرت نمود. در همین رابطه تعدادی از کارگران نیز که زیر تیغ رژیم قرار گرفته بودند، ناچار به ترك دیار خود شدند. اما اینك شرایط دشوار زندگی اقتصادی (که در اینجا دیگر بخاطر فرار از طناب دار و شکنجه در زندان نیست، بلکه گریز از طناب گرسنگی و شکنجه اقتصادی در جهنم جمهوری اسلامی است) بخاطر تأمین حداقلهای زندگی، بخشی از کارگران را به مهاجرت میکشاند، که مهاجرت به ژاپن، تایلند، سنگاپور، مالزی و... نمونه‌هایی از آن است. ما ذیلا" بررسی فشرده‌ای داریم از آنچه بنام " مهاجرت و کار در ژاپن" نام گرفته.

مهاجرت و کار در ژاپن، یکی از پدیده‌هائی است که رژیم جبار حاکم بر ایران برای کارگران به ارمغان آورده. مدتی است که مهاجرت و کار در کشورهای دیگر، بحث روز در میان کارگران و خانواده‌هایشان است. آنها در جدال کار و زندگی و فشار بیحد و حصر اقتصادی راههای مهاجرت به خارج از کشور را به منظور کسب درآمدی که زندگیشان را بچرخاند و شکم خانواده‌شان را سیر کند، جویا میشوند. با استفاده از امکانات قانونی و غیرقانونی و پرداخت رشوه به دلالان کار در ژاپن راهی آن کشور میشوند و با تحمل کارهای سخت و زیان آور و نیز با صرفه جوئی زیاد در هزینهٔ زندگی خود در آنجا، برای خانواده‌شان مبالغی ارسال میکنند. آنها با چنان وضع تأثر آوری در آن کشور کار و زندگی میکنند که قلب انسان را به درد میآورد. حتی روزنامه‌های خود رژیم ریرتاژها و گزارشهای ناراحت کننده‌ای از آنها انتشار میدهند و آنرا "خفت آمیز" نامیده‌اند...اما متأسفانه همهٔ آنها پایشان به توکیو نمیرسد:

"کارگران مهاجر که بدون هیچ هماهنگی و بررسی قانونی همچنان راهی ژاپن هستند، خفت آمیزترین برخوردها را در ژاپن متحمل میشوند و صدها تن از آنان طی هفته با بدترین شرایط و اهانت بارترین وضع از فرودگاه توکیو و دیگر فرودگاههای کشور واسطه (دهلی نو، کوالالامپور.

www.iran-archive.com

انسان با زندگی

*** دایره بسته‌ای که جوانان ایرانی امروز در ژاپن بعنوان کارگران آن شناخته می‌شوند، نه تنها مهارت فنی بهمراه نمی آورد بلکه شخصیت ذاتی و فرهنگ سرزمین مادری آنها را نیز پایمال می کند**

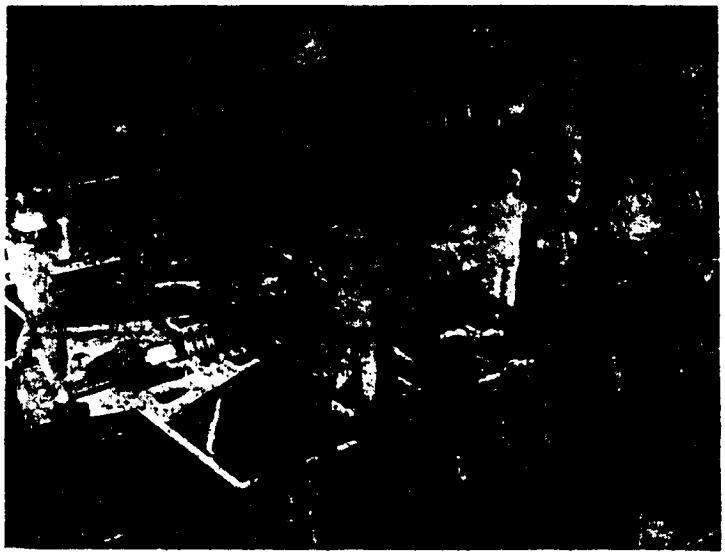

سنگاپور و۰۰۰) باز گردانده میشوند۰"روزنامه جمهوری اسلامی ــ ۵ آبان ۷۰

ژاپن به حدود یك میلیون کارگر خارجی نیاز دارد و بیش از ۳۰ هزار کارگر ایرانی در ژاپن بسر می‌برند که نیمی از آنان بیکارند، بسیاری از آنان در پارکها و پیاده‌روها می‌خوابند، در توالتها دوش می‌گیرند، از کفشها و چمدانهای خود بعنوان بالش استفاده می‌کنند و با فرهنگ ناآشنا درگیرند. آنها با تماس گرفتن با دلالان کار و پرداخت مبالغ سنگین و تهیه بلیط هواپیما راهی ژاپن می‌شوند و در کارگاهها و کارخانه‌ها به کار یدی می‌پردازند و دستمزدشان دارای هیچ ضابطه‌ای نیست:

"گزارشهای مستند موجود و اظهار نظر کارگرانی که از ژاپن بازگشته‌اند، حاکی از آن است که نظام پرداختهای ژاپنیها به کارگران خارجی کاملا" متفاوت، موردی و اتفاقی است۰ بسته به اینکه شما در چه کارگاه و کارخانه‌ای مشغول بکار شوید، درآمدتان فرق خواهد کرد۰ البته این در حالی است که تبانی دلالهای کار را با کارفرماها برای به جیب زدن بخشی از درآمدتان در نظر نگیرید۰" کیهان ــ ۸ تیر ۷۰

کارگران ایرانی، صرفنظر از شغلی که در آن تجربه و سابقه کار دارند، در ژاپن به کارهائی از قبیل بسته بندی، ساختمانی، نظافت، رفتگری پیشخدمتی و مونتاژ قطعات، با روزی ۱۰ ساعت کار و هفته‌ای شش روز، به کار مشغول می‌شوند۰ این کار "غیر قانونی" است و به همین دلیل کارگران ایرانی در ژاپن فاقد حداقل تأمین اجتماعی هستند و حق اعتراض هم ندارند!

طبعا" کارفرمایان ژاپنی از این موقعیت حداکثر استفاده را می‌کنند، آنها آن دسته از کارها را به خارجیان می‌دهند که در زیان آور بودن آنها تردیدی نیست۰ به همین دلیل بسیاری از کارگران یا در خود ژاپن و یا پس از بازگشت به ایران دچار بیماریهای شغلی، خونی و ریوی میگردند۰ البته آنها از ۳ ماه تا یکسال می‌توانند در این کشور کار کنند، ولی همین مدت، بخصوص در کارخانه‌های صنعتی، به خاطر آلوده بودن محیط کار، برای ابتلا به این بیماریها کفایت می‌کند:

"در این کارخانه‌ها، فضا بطرز خطرناکی آلوده به ذرات ریز آلومینیوم می‌باشد که همراه با هوای استنشاقی وارد ریه کارگران میشود۰۰۰۰۰۰در حالیکه خود ژاپنیها در اینگونه کارخانه‌ها، با ماسك رفت و آمد می‌کنند، کارگران خارجی بدون هیچگونه حفاظی، مجبور به استنشاق هوای آلوده آن هستند که تبعات خطرناکی برای سلامتی آنها دارد۰ کارهایی که یا عوارض جسمی‌اش همان موقع بروز می‌کند و یا در دراز مدت معلوم می‌شود ۰۰۰۰۰" کیهان ــ ۹ تیر ۷۰

بسیاری از این کارگران پول حق حساب دلالان کار در ژاپن و بلیط هواپیما را قرض کرده و به آن کشور پرواز می‌کنند، اما بخشی از آنان در ژاپن موفق به پیدا کردن کار نمی‌شوند و ناچارند شبها را در پیاده روها و پارکها سر کنند و روزها به دنبال کار بگردند، وبقول خودشان به کسانیکه برایشان کار پیدا کنند "شارژ" یعنی رشوه بدهند۰ بهرو آنها ناچارند در آنجا بمانند و همچنان دنبال کار باشند، زیرا با بدهکاری‌ای که برای این سفر بالا آورده‌اند، یارای بازگشت ندارند! همین امر باعث گردیده که دلالان کار در ایران مبالغ سنگین تری از جویندگان جدید کار مطالبه کنند و کارگران جویای کار هم بناچار مبالغ بیشتری را قرض کرده به آنها می‌پردازند تا شانس بیشتری برای پیدا کردن کار بخرند۰

"در توکیو پشیمانی سودی ندارد چرا که هزینه سفر اغلب با قرض تهیه شده و بایستی با کارکردن مشروع یا نامشروع ــ پرداخت شود۰"

جمهوری اسلامی ــ ۶ آبان ۷۰

*** یکی از ایرانیان شاغل در ژاپن ساعت ۱۲ ظهر دستش لای دستگاه رفت و انگشتانش قطع شد، موقع تسویه حساب، حتی دستمزد کامل همان روز را به او ندادند.**

مطابق مصاحبه‌ای که خبرنگار کیهان با یکی از کارگرانی که سه ماه در ژاپن کار کرده، داشته است، مبلغ باقیمانده در این مدت برای او ۲۰۰ هزار تومان بوده، در حالیکه ۲۰۰ هزار تومان پول دلال داده و ۲۰۰ هزار تومان هم خرج رفت و برگشت وی بوده است! این کارگر در ادامه می‌گوید:

"۰۰۰ واسطه گفت اگه میخوای کار پیدا کنی باید هزار و صد دلار بدی ۰ منم که دیدم چقدر ایرانی بیکار توی فرودگاه توکیو خوابیده، مجبور شدم بدم، والا منم مثل اونا بیکار می‌موندم۰" وی در ادامه می‌افزاید:

"۰۰۰۰ من قبل از اینکه برم، کمی ناراحتی زانو داشتم و اونجا هم کارش طوری بود که باید ده ساعت تمام سرپا می‌ایستادم۰ بعد از یه مدت کار، دردهای شدیدی پیدا کردم و همونجا رفتم دکتر، گفت که ساییدگی استخوان زانو پیدا کرده‌م۰ حالا البته نمی‌دونم عواقب این مسئله دقیقا" چیه، ولی می‌دونم که این پا، دیگه برای من پا نمی‌شه۰" کیهان ــ ۸ تیر ۷۰

*** کارگران ایرانی در پارکهای توکیو از توالت برای استحمام و مسواك زدن استفاده می کنند و شب را در همانجا به صبح می آورند**

www.iran-archive.com

در مواردی، خانوادهها همراه با کودکان خردسال خود بطور دستجمعی راهی ژاپن میشوند و بطور دستجمعی در آنجا مشغول کار میشوند و ــ گاهی در این کار کودکان خردسال خود را از دست میدهند، و طبعاً" خارجیها در ژاپن انسان درجه دوم به حساب میآیند:

"چند ماه قبل یك نوجوان ۱۲ ساله ایرانی که به همراه والدین خود در این کشور سرگرم کار بود، در میان چرخ دندههای دستگاههای آسیاب دانه برنج جان خود را از دست داد و کارفرما تنها ۴ میلیون یـــن خسارت بابت مرگ این نوجوان پرداخت کرد در حالیکه حادثه مشابه برای یك ژاپنی بالغ مستلزم پرداخت حداقل ۷۰ میلیون یـن خسارت است." روزنامه جمهوری اسلامی ـ ۶ آبان ۷۰

و اما در بازگشت به ایران: برخی از این کارگران با بیماری و عوارض حاصله از کار در ژاپن دست به گریبان میشوند و برخی مجدداً" دنبال دلالان و راهِ سفر مجدد به ژاپناند. اما آنها با مشکلات جدیدی نیز مواجه اند، مشکلاتی که در تفاوتها و اختلاف کار و درآمد بین دو کشور ایران و ژاپن دیده میشود.

"من در ژاپن، در یك کارگاه ریخته گری کار میکردم.... بر اثر کار

*** کسانی که از ژاپن برمی گردند، بخاطر دوگانگی های دو محیط، دچار آشفتگی روحی می شـونـد و این آشفتگی را بـه جامعـه نیز منتقل می کنند.**

در محیطی که بعلت وجود ذرات ریز آلومینیوم در فضا، کاملا" آلوده بود، مبتلا به برونشیت مزمن شدم و الان تنفس در هوای تهران برایم مشکل است." کیهان ــ ۸ تیر ۷۰

"گروهی از کسانی که قبلا" به این کشور سفر کرده و به دلایل مختلف مهر قرمز به گذرنامههایشان خورده است از راههای مختلف تلاش میکنند که با مخدوش کردن آن صفحات، گذرنامه جدیدی دریافت کرده مجددا" سری به توکیو بزنند." جمهوری اسلامی ــ ۶ آبان ۷۰

یاری چنین است شمهای از وضعیت معاشی کارگران ما، که ناچارند در کشورهای دیگر بدنبال نان بدوند. و اما حکایت غم انگیز و شرایط غیر انسانی کار و زندگی کارگرانی که نمیتوانند رهسپار کشورهای دیگر شوند، همچنان باقیست!

س. فرهیخته

گزارش خبرنگار جمهوری اسلامی ــ ۶ آبان ۷۰

... پارك «ونو» بر خلاف «هاراجوکو» شهرت بدی یافته است. از نظر ژاپنی ها محل خلاف کاری ایرانیها، پارك ونو است.

صدایی شنیده می شود که به فارسی می گوید: پلیس، پلیس.

به کناری می روم. رعد و برقی می زند و باران تندی هم آغاز می شود. سفرهها جمع می شوند و فرار آغاز می گردد. عدهای برای در امان ماندن به بالای درختها می روند. پلیس با باتوم از راه می رسد. چند نفر دستگیر می شوند.

پلیس از کسانی که در بالای درخت هستند می خواهد که پایین بیایند. و برای تهدید باتوم ها را به درخت ها می زنند و کسانی که در بالای درختها هستند یا ساکت بوده می لرزند و یا شکلك در می آورند و می خندند. این صحنه تقریباً به مدت نیم ساعت ادامه دارد. پلیس پس از دستگیری چند نفر صحنه را ترك می کند و مجدداً اطراق آغاز می شود. شب های توکیو، با رنگ های گوناگون تابلوهای نئون جلوه دیگری دارد از خاموشی اعلام شده یا نشده برق هم خبری نیست.

چرخی می زنم و در مسیر خروجی عکس می گیرم. در پایین پلههای خروجی وقتی دوربینم را می خواهم جمع کنم و در ساك دستی بگذارم چند نفر از راه می رسند.

ـ آقا، خبرنگاری؟

ـ نه بابا، چطور؟

ـ نباید عکس بگیری!

ـ چرا؟

ـ خوب، چرا ندارد. از ما عکس می گیرین، می برین تو روزنامهها چاپ می کنین. آخه فکر نمی کنین که ما هم خانواده و آبرو و حیثیت داریم. شما خبرنگارا برای اسم و رسم خودتون همه کاری می کنین!

روزنامهها فقط بلدند انتقاد کنند. یکی از وزراء میگه خوبه تکنولوژی می آرن. کدوم تکنولوژی؟ خرحمالی، با اسید کار کردن، تو آسیاب و مرغ دونی کار کردن، تکنولوژیه؟ کجا تو ایران می شه یك کاری پیدا کرد که آینده داشته باشد. اون از استخدام که اگر پارتی نداشته باشی ول معطلی و اونم از تحصیل که هر سال یك سازی می زنن؟ حالا مگه استخدام بشی چه گلی به سرت می زنن؟ حقوق یك ماهت، اجاره خونهات هم نمیشه.

وقتی که بیکار می شی، بعد معتاد می شی. بعد شماها هم میاین مصاحبه می کنین که بابا این چه کاری بود که کردین؟ اما نمیرین تحقیق کنین که این فرشهای گرون قیمت ایرانی رو چه کسانی وارد ژاپن می کنن؟ چرا فکر می کنین که همه کسانی که به ژاپن میان خلافکار و بی پدر ومادر هستن. نه بابا، ما هم خانواده داریم. ولی ناچاریم. اگر نمی اومدیم چکار می کردیم؟

پول نزول کردم به ژاپن اومدم و حالا هم بوسیله عدهای نالوطی سرگردان شدم. تازه خیال می کنی که ژاپنی ها با ما اینکار و کردن، نه بابا، کار هم ولایتی های خودمونه.

خوب. من خبرنگار نیستم ولی گوش می کنم.

ـ بی خیال دیگه. این دوربین، ساك و این ریخت و قیافه که خیلی راحت جلو چشم پلیس میره و میاد، نشون میده که خیالش راحته!

ـ مگه شما راحت رفت و آمد نمی کنین؟

ـ نه مثل شما!

ـ خوب، چکار کنم که باور کنین؟

ـ یکی با خنده از اون طرف میگه: برو سر کار.

ـ خوب، یك کار برام پیدا کن.

ـ شارژ میدی؟

ـ بدون شارژ.

ـ آقارو؟ بدون شارژ می خواد بره سر کار.

یك جوان لاغر اندام از راه میرسد و میگوید:

ـ محمود، یك کار سراغ دارم، میری؟

ـ چقدر شارژ داره؟

ـ نداره.

ـ چه کاری؟

ـ بستهبندی ساختمان!

ـ صدبار گفتم که از این شوخی ها نکن، اینجا همه عصبی هستن. میزنن فکتو پیاده می کنن.

(بستهبندی ساختمان شوخی جدید میان ایرانیهاست. چون در ژاپن بستهبندی که شاید علاوه بر صنعت، هنر هم می باشد، تقریباً شامل همه چیز می شود. بنابر این می گویند ژاپنی ها ساختمان را هم بستهبندی می کنند).

ـ خوب، زبل خان، من یك کار دیگه سراغ دارم. تو میری؟

ـ چکاری؟

ـ فروشندگی در بوتیك.

ـ آقارو. اگه می خواستم تو بوتیك کار کنم، بوتیك خودمو تو میدون ولیعصر ول نمی کردم بیام اینجا. جریمهاش رو میدادم. بر می گردم تا کار کنم.

میخواهم خداحافظی کنم که نفر اولی می گوید:

ـ ببین دادش. بالاخره خوددانی و وجدانت. اگر هم خواستی بنویسی راستش را بنویس. شاید یه فکری به حال این عده بکنن که از بیکاری در بیان...

www.iran-archive.com

جایگاه فنلاند در بحران جهانی سرمایه داری

نزدیک به یکسال است که موج بحران اقتصادی بعد از آمریکا، انگلیس و فرانسه ... به کشورهای شمال اروپا (سوئد، نروژ، فنلاند، دانمارک و ...) رسیده است و به دنبال آن این بخش از جهان سرمایه‌داری که گویاقراربود آبروی بربادرفته سرمایه‌داری را برای مدتی دیگرحفظ کندوبا شعار"دولت رفاهطلبی" وتامین‌اجتماعی نسبتا خوبی که صد البته هدیه سرمایه‌داری نبوده بلکه دستاورد مبارزات کارگران درسراسر جهان بوده‌است، خاک درچشم کارگران جهان پاشیده وسرمایه‌داری وهیکل گندیده آن رااز تیررس مبارزات کارگران درامان نگهدارد، گرفتار بحران اقتصادی دشواری نموده‌است که به نظر می رسد پایان این چهره بزک کرده سرمایه‌داری که جناح چپ بورژوازی (سوسیال دمکراسی) بخصوص درکشورهای شمالی اروپاآن راحفاظت می کردندفراسیده‌است. تبلور آن ، شکست احزاب چپ بورژوازی (سوسیال دمکراتها) درتمام این کشورها وآخرین شان درسوئد بود. بدنبال این شکست که شکست اردوگاه شوروی هم دراین راستا صورت گرفت وبدان شدت وسرعت بخشید، طبیعی است که مبارزات سالها به رکودکشیده شده کارگران دراین کشورها اوج دیگری بگیرد. اکنون درفنلاند مدتی است کشاهد این تلاطم‌اجتماعی که دریک طرف آن تلاش بورژوازی (جناح راست آن) برای بازپس گیری دستاوردهای تاکنونی و زدن ازتمام گوشه وزوایای دستآوردهای تاالان موجودوبالاترازآن ، کم کردن ویامنجمدکردن دستمزدهااست وازطرفی دیگر رشد مبارزات اعتراضی واعتصابات درمیان طبقه کارگرهستیم، که متاسفانه بخاطر شرایط جهانی ونبود سیاستو صف بندی جهانی روشن برای رادیکالیسم کارگری، سوسیال دمکراسی خائن دراپوزیسیون سعی می کند که آن رااهرمی برای عقب راندن رقیب ازدستگاه حکومتی بنماید.

بدنبال انتخابات اخیردرفنلاند (چندماه‌پیش)اتحادی ازاحزاب میانوراست بورژوائی قدرت راازچنگ سوسیال دموکراتها بیرون آورده وآنها را به اپوزیسیون رانده وسپس شروع به قلع وقمع دستاوردهای تاکنونی نموده است که هنوز ادامه دارد.

بحران اقتصادی کنونی درفنلاند درمقایسه، بادوبحران قبلی که درتاریخ سرمایه‌داری فنلاند روی داده‌است (۱ــ بعدازاستقلال‌فنلاند وزمان جنگهای داخلی سالهای ۱۹۲۰ــ۱۹۱۹ و ۲ــ بعدازجنگ جهانی دوم و در دهه ۵۰) عمیق تر بوده بطوریکه درشش ماهه اول سال ۹۱ تولید ناخالص ملی ۶٪ پائین آمده است.

حال برای اینکه اندکی ازشدت بحران وقمه کشی حاکمیت برای بیرون آمدن ازبحران وبالا بردن قدرت رقابتی سرمایه فنلاندی دربرابر سرمایه های آلمانی وفرانسوی و... بهازای سرشکن کردن باراین بحران بردوش کارگران واقشارکم درآمد مطلع شدیم چندتکه ازآثار بحران و سپس از مبارزات کارگران و اقشار کم درآمد صحبت میکنم.

۱ــ بانک پس انداز فنلاند روز ۹۱/۹/۱۹ بدنبال ۳۳۹میلیون مارك باخت دربازار بورس وورشکستگی صنایع تحت حمایت اش درسال اخیر (درسه ماهه‌اول این سال این صنایع۸۵ میلیون مارك ضررداشته است) به تصرف بانك مرکزی فنلاند درآمد تاازاعلام ورشکستگی ودرنتیجه ازهرچه بیشتردرهم پاشیدگی اعتماد داخلی وخارجی نسبت به سرمایه فنلاندی بکاهد. بانك مرکزی فنلاند تمام تعهدات داخلی وخارجی این بانك رابعهده گرفته‌است.

۲ــ میزان ضرر درصنایع ملی فنلاند امسال ۱۰۷میلیارد مارك برآورد شده است وتولید۱۳٪ کاهش پیداکرده‌است. این امربعد ازجنگ جهانی دوم بی سابقه بوده‌است (۹۱/۹/۲).

توضیح:
تلاش این نشریه بر آن است که گزارشات، نوشته‌ها و نظرات رفقای کارگر، که از کشورهای مختلف برای نشریه ارسال می‌دارند و خود ازنزدیك شاهد اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و همچنین شاهد مبارزات کارگری در آن کشورها هستند را، عینا با همان زبان صمیمی و شیوه نگارش ساده ــ حتی در صورت داشتن ضعفهای ادبی ــ درج نماید تا بدین طریق بتواند حرفها و نوشته‌های آنها را به گوش و نظر سایر رفقا و دوستان کارگر و خوانندگان نشریه برساند. نوشته زیر را که پیرامون اوضاع سیاسی ــ اقتصادی فنلاند و مبارزات کارگری آن کشور در ماههای اخیر است، رفیق کارگری از فنلاند طی چند نامه فرستاده‌اند که میخوانید.

دراینجا لازم‌است کهبه پارامترمهم درهم ریختگی بازار شوروی دررابطه بافروش محصولات تولیدی فنلاند اشاره شود که بازارسنتی فروش تولیدات فنلاند به شمار می رفت که اکنون تماما خوابیده است.

۳ــ سرمایه‌داران فنلاندی بدنبال بحران اخیرو پائین آمدن نرخ سود سرمایه‌های خود حدود۴۰ میلیارد مار# درعرض چند ماه ازفنلاند برای سرمایه گذاری در خارج فنلاند مثلا دراپرتغال و...خارج کرده‌اند.

۴ــ حکومت جدید درنظر دارد دربودجه آتی۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ مارك از هزینه‌های آموزشی مدارس صرفه‌جوئی کند.

۵ــ طرح پیشنهادی قانونی دردست است که ازطریق آن‌بتوانند ازامکانات تحصیلی دردانشگاهها بشدت بکاهند.

۶ــ طرحی بنام دریافت مالیات ازمسافرتهای خارجی آماده است که دولت درنظردارد ازطریق بهاجراگذاشتن آن۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰ مارك پس انداز کند. بدنبال طرح این ساله (اگرچه هنوزتصویب نشده) ازتعداد مسافرین به خارج کاسته شده و باکم رونق شدن مسافرتهای خارجی(چه هوائی و چه دریائی) بیکاری دراین رشته‌افزایش یافته و اعتراضات کارگری دراین عرصه بالا گرفته‌است که یك اعتصاب اخطاری ۸ ساعته درتاریخ ۹۱/۹/۱۷ که ازطرف اتحادیه کارگران هواپیمائی و اتحادیه تکنیسین ها انجام گرفت پروازهای خارجیFIN AIRرادرآن روز فلج کرد. این اعتصاب باپشتیبانی اتحادیه کارگران مسافربری دریائی هم روبرو شد. براثر اعلام این طرح مالیاتی تخمین زده می شود که ۶۴۰۰ نفرازکارگران این رشته بیکارشوند. بعدازاین اعتصاب اخطاری به دولت فرصت داده شد تااین طرح پیشنهادی راپس بگیرد.

۷ــ ازسال ۹۲ قراراست علاوه‌برافزایش مالیاتهای مستقیم ، مالیاتهای غیرمستقیم هم افزایش یابد ازجمله ۴٪ افزایش قیمت سیگار مشروبات که‌عمدتا درانحصاردولت است .

اینها وموارد‌متعدد دیگری که من بدلیل محدود بودن دامنه اطلاعات کبری‌ام وضعف زبان ام باازآنها مطلع نشده ونمی شوم و یابیادم نیامد تابنویسم،گوشه‌ای کوچك از عملکرد بورژوازی دراین شرایط بحرانی است.

حال طرف دیگر قضیه که بسیارمهم تراست : طبقه کارگر ومشکلاتش دراین شرایط ومبارزاتش برعلیه این شرایط می باشد.درطی یك سال اخیربورژوازی بااولین علائم رکود اقتصادی زمزمه آغازکرد که: "هزینه تولید درفنلاند بالااست وقدرت رقابت باسرمایه‌های دیگر دربازار جهانی راندارد که بخش عظیم این هزینه‌ها!! دستمزد کارگران است که بسیار بالا است."

این ادعادرحالتی بیان می شود که همه میدانندکه دستمزد

کارگران درآلمان‌و لااقل دربیخ گوشتان درسوئد بیشترازدستمزد کارگر فنلاندی است .

فنلاند جزو یکی ازگرانترین کشورهای دنیااست. لذا ،بورژوازی فنلاند بابی‌شرمی تمام وبیرحمانه شروع بهاخراج های بسیار وسیع و پر دامنه زدهاست وبابه مرخصی اجباری فرستادن کارگران وکاهش سطح دستمزدهادرقبال کاهش ساعات کارو... بیکاری دراین کشوررا افزایش دادهاست. رقم بیکاری به رقم بیسابقهوتاریخی درفنلاند رسیده‌واز ۲۵۰/۰۰۰ نفرگذشتهاست. تاآخرامسال برآوردمی شود که این رقم به۳۰۰/۰۰۰ نفربرسد. این درحالتی است که تعداد بسیاری هم به مرخصی های بدون حقوق کوتاه یاطویل المدت فرستاده می شوند. یابخشی ازدستمزدخودرابخاطرچهار روز کار درهفته ... ازدست می دهند.

بورژوازی هار بهاین‌رقم هم‌اکتفا نکردهودربوق وکرنا میدمد که باید یك قرارداد ا جتماعی بین اتحادیه کارگران وکارفرمایان بسته شودوهمچنین توافق شود که ازهزینههای تولید کاسته شود. تبلیغ می کنند که: "این بحران، بحران همه جامعه استو همه هم باید برادرانه تاوان‌آن راپس بدهیم." دراین رابطهاتحادیهکارفرمایان بی شرمانه خواستار پائین آورد ن ۱۰٪ ازدستمزدهاونیزحذف "حق تعطیلات" شدهاست(حق تعطیلات مبلغی است درحدود یك ماه حقوق ویااندکی کمتراز آن که کارگران درموقع استفاده ازتعطیلات ومرخصی سالیانه شان علاوه بردستمزدشان ازکارفرمامی گیرندوبآن بمسافرت و...می‌روند) این تقاضای بی‌شرمانه ودعوت از کارگران برای رفتن به پای میز"مذاکره نجات ملی ازبحران" بیکاری روزافزون ، کاهش دستمزدهاونیز بالارفتن هزینههای زندگی ومواد غذائی و... کارگران رابخشم آوردهاست. رهبری اتحادیه هاوبخصوص اتحادیه مرکزی کارگران SAK که دردست سوسیال دموکراتهاست از این نفرت عمومی برعلیه جناح حاکم استفاده کرده ودرمذاکرات برای "قرارداد توافق اجتماعی" مخالفت کرد وتوانست کارگران رادرپشت سرخود به صف کند. بدنبال به بن بست رسیدن مذاکرات ،رهبری اتحادیهها، برای تحت فشار قراردادن دولت واتحادیه کارفرمایان ، یك فراخوان عمومی داده و یك تظاهرات گسترده باشرکت کارگران ودیگرحقوق بگیران را سازماندهی کرد، که این‌تظاهرات عظیم درتاریخ ۹۱/۱۰/۳ در میدان سناتین توری هلسینکی برگزارشد . بعدازاین تظاهرات وقدرت نمائی کارگران که دولت واتحادیه کارفرمایان بهراس افتاده ووحشت زده شدند ، فعلا اوضاع درحالت رکود است.

گوئی که رهبری سازشکار اتحادیه هانیز به منظورشان رسیده باشند همه چیز فعلا مسکوت گذاشته شده ودرپشت پرده بمذاکره با دولت واتحادیه کارفرمایان مشغول اند. شاید بتوانندبااستفاده ازاین شیوه رقیب خود درحاکمیت رااندکی تحت فشارقراردهند. فعلا ازهیجان‌مذاکره هم کاسته شده وحزب سرمایهداران بزرگ فنلاند اخیرا درمجمع عمومی حزبی‌اش اعلام کرد که باید مردم راباخبار مثبت بهآینده خوش بین کردو جلوی طغیان کارگران راگرفت.

به دنبال قدرت نمائی بی سابقه کارگران در میدان مقابل مجلس درهلسینکی واعلام نظر قطعی درمورد مخالفت باکاهش دستمزدهاو پائین آوردن تامین‌اجتماعی، رهبری سوسیال دمکرات(اکثریت شورای رهبری) اتحادیه مرکزی کارگران SAK بمدت یکهفته به اتفاق ، با طرف مقابل خودیعنی اتحادیه کارفرمایان در پشت درهای بسته به مذاکره پرداختند وبخاطر اینکه "جو موجود ازاین بیشتر رادیکال و مشوش!! نشود"، از اعلام جریان مذاکره در رسانههای گروهی اجتناب کردند. تااینکه درروز ۲ نوامبر سال گذشته حکومت که نقش واسطه ! دراین مذاکرات رابعهده داشت با دعوت از یکی از رهبران قدیمی سوسیال دمکراتها بنام sorsa بعنوان میانجی بین اتحادیه کارفرمایان وکارگران، عملا چراغ سبز رابه سوسیال دمکراتها روشن کرد. این سوسیال دمکرات پیر که یکی ازاعضاء اصلی بانك مرکزی فنلاند می باشد طرحی ارائه داد ودرجوی ازتبلیغات وسروصدا وشانتاژ وتهدید گفت که: ۱ــ سرمایههاازکشور خارج میشوند. (اشاره به۱۲ میلیارد مارکی که درعرض چندروز خارج شدهبود)

۲ــ ثروتمندان وصاحبان سرمایه پولها وسرمایههای نقدی خودرا به ارز خارجی تبدیل می کنندو از بانکها بیرون میکشند.

۳ــ بهره وام بانکی به رقم۱۹٪ رسیده وتشنج بازار فروش ارزو بورس پول رافرا گرفته است.

بالاخره درمیان جنگ اعصابی که بورژوازی راه انداخته بود و بسیاری از این آشفتگی های بازار را هم خود دامن زده بود، رهبری سوسیال دموکرات SAK (اتحادیه مرکزی کارگران) به همراهی حزب سوسیال دموکرات (اپوزیسیون) و واسطگی sorsa خود را به معاملهنزدیك تر یافتو رئیس جمهور هم رهبر SAK رابه کاخ خوددعوت کرده تشویق به سازش وتمکین به طرح sorsa کرد وبالاخره درمیان بهت وحیرت کارگران که درزیر بمباران تبلیغاتی قرارگرفته بودندو ازطرف دیگر، رهبری اتحادیه آن ها رادرجریان کارها قرار نمیداد و علیرغم اینکه چه دراعتصابات شان وچه درتظاهرات سراسری شان کارگران اعلام کرده بودند که حاضر به سازش درمورد کسر دستمزدهایشان نیستند، توافق شکل گرفته واعلام شد که ازحقوق کارگران۳٪ کسر خواهد شد، وباضافه ۴٪ ازدستمزدشان را کارگران ومزدبگیران باید به حساب صندوق بازنشستگی بپردازند که قبلا این پول ازطرف مزدبگیران پرداخت نمی شد بلکه کارفرمایان آن رامی پرداختند.

این توافق موقعی شکل گرفت که براثر مقاومت کارگران ـ حکومت وبخشی از بورژوازی راضی شده بودند که حقوق کارگران کاهش نیابد بلکه درهمان سطح برای حداقل یکسال منجمد شودو تنها اصرارمی شد که ازپول مرخصی تابستانی شان زده شود که درصورت مقاومت کارگران این نیز به شکست می رسید.

بعد ازاین اعلام توافق ، بورژوازی وحکومت اش در بوق‌و کرنای تبلیغاتی خود دمیدو باخوشحالی تمام اعلام کردکه این نوع توافق نشانگر رشد فرهنگی کارگران فنلاند بوده ودرسطح دنیا کم سابقه است. اما برخلاف این اعتقاد کارگران این اقدام را یك بدعت گذاری کثیف درتاریخ فنلاند وجهان می دانند.

بالاخره در۹۱/۱۰/۲۲ به دنبال قبول طرح sorsa ازطرف sak این تصمیم به شورای مرکزی اتحادیه برده شد، ودرای گیری سوسیال دموکراتها با۱۷ رای دربرابر۱۰ رای مخالف(جناح چپ اتحادیه) موفق شدند آن رابه کارگران تحمیل کنند.

بدنبال پذیرفته شدن رسمی قرارداد کاهش(۳+۴)٪ ازدستمزد کارگران توسط اتحادیه سراسری نارضایتی بخش پیشرو کارگری این ور و آن ور مطرح بود وبه اشکال مختلف اعتراضات خودرا بیان می کردند و درمطبوعات هم منعکس می شد. مهمترین مخالفت ازطرف اتحادیه نیرومند فلز که قدرتمندترین وبزرگترین اتحادیه کارگری با۱۶۰/۰۰۰ عضو می باشدبود. اتحادیه کارگران صنعت کاغذ هم به آن اعتراض داشتندو نیز اتحادیه کارگران مواد غذائی و... هم مخالف آن بودند. لذا با ابراز مخالفت هابنظر می رسید که این توافق نمی‌تواند زیاد پایدار باشد وبازارو بورس هم باتردید باآن برخورد کرد. بطوریکه روزهای بعد بدنبال یك دوسه روز سکوت دوباره بازاروبورس متشنج شده و نرخ بهره بانکی بشدت بهرقمهای بی سابقه تا۳۰٪... صعود می کرد، که براثر این اوضاع نابسامان (ازنظر سرمایه) بالاخره روز۱۴/۱۱/۱۱ یکباره اعلام شد که دولت فنلاند بهمراه بانك مرکزی علیرغم مخالفت شان باشناورکردن مارك فنلاند دربازارجهانی مجبور به آن شد تامارك فنلاندی راشناور اعلام کند(devalution) وروزبعد رقم آن را ۱۴٪ اعلام

←

www.iran-archive.com

اخبار کارگری

فنلانـــد

★ روزسوم ماه نوامبر سال گذشته، حدود چهل هزار (۴۰۰۰۰) نفرازکارگران وکارمندان فنلاندی به فراخوان اتحادیه مرکزی کارگـــران SAK ، اتحادیه کارمندان TVK ، اتحادیه آکادمیسینها AKAVA واتحادیه تکسینها STTK درمیدان سنای هلسینکی گرد آمده وعلیـــه سیاستهای اقتصادی دولت بورژوائی فنلاند وبائین آوردن سطح دستمزدها، تظاهرات عظیم وبی سابقه‌ای نمودند.

دراین تظاهرات کمعظیم ترین تظاهرات بعداز اعتصاب سراسری سال ۱۹۵۶ درفنلاند بود، کارگران ، کارمندان وسایرحقوق بگیـــران‌از سراسر فنلاند شرکت داشتند. بخش رادیکال تظاهرکنندگان، یعنی کارگران شعارهائی تند، علیه دولت وبرکناری حاکمین وحکومتیان میدادنـــــد. بطوریکه صدای نشریات بورژوائی نیز درآمد و نوشتند که:" کارگران چقـدر تندرو ، ضددمکراتیک و ... هستند."

بعضی ازشعارهائی که دراین تظاهرات ازسوی کارگران دادمیشد چنین بود:

ــ" کار، کار، کار" ــ "ما کارمیخواهیم" ــ"کار برای همه" "بورژوازی ودولت حامی آنها حق ندارد دستمزدهاراکاهش دهد"ــ"قیمت کالاها وارزاق عمومی‌بایدکاهش یابد" ــ "ما مخالف افزایش هزینـــه زندگی وپائین آمدن هزینه‌های تامین اجتماعی هستیم." ــ نخســت وزیر ووزیردارائی فنلاند اعدام باید گردند."و...

بدنبال این تظاهرات بزرگ کارگران وکارکنان فنلاندی ،روزنامه‌های دولتی ودستگاههای تبلیغاتی بورژوازی‌فنلاند باآه وناله و ابـــراز تاسف ازاوضاع پیش آمده نوشتند که : دراثراین اعتراضات واعتصابات ۱۰۰۰۰ (دههزار) روز کار ازدست رفته است... ودرمجموع مبلغ یك میلیون مارك فنلاندی نیز سوخته وازجیب ها خارج شده است.

همچنین لازم بتوضیح است که: بدنبال این تظاهرات ودرپیوند بـــا آن، دربسیاری ازکارخانه‌ها ، کارگران درمحیط کار به انواع مختلـف ازقبیل کم کاری ، تعطیل کار و اعلام دو روز اعتصاب وبرگزاری‌جلســه سخنرانی دست زدند.

★ درتاریخ هیجدهم اکتبر سال گذشته اعلام شد که درصـــد بیکاری درفنلاند ۱۰/۲٪ است. این رقم نسبت به بیکاری ســـال ۱۹۹۰ که۳/۸٪ بود، درعرض یك سال گذشته(۱۹۹۱) به۳ برابـر افزایش یافته است.

★ درروز ۲۲ اکتبر سال ۹۱ حدود۱۵۰۰۰ نفرازروستائیـــان فنلاند دراعتراض به سیاستهای دولت وسیاست رفتن به "اتحادیـــه اروپا" دست بتظاهرات یك پارچه زدند.

روستائیان فنلاندی که کشاورزان این کشور می باشند وبـــا توجه به کمکهای دولت بمنظورحمایت ازتولیدات داخلی ، زندگـــی نسبتا خوبی داشتند، اکنون درنتیجه بحران اقتصادی درآمدشـــان کاهش یافته وآنها راوارد به اعتراض به سیاستهای حزب حاکم کـــه سنتا حزب خودشان ــ حزب کسکوستا Keskusta می‌باشد، کـرده است.

★ درتظاهرات دیگری درماه اکتبر در فنلاند، حدود۱۵۰۰۰ نفر ازبازنشستگان فنلاندی که تعداد زیادی ازآنها درآمد بسیارناچیـــزی دارند، دراعتراض به سیاستهای اقتصادی دولت درمیدان مقابل مجلس در هلسینکی جمع شده وخواهان آن بودندکه حقوق بازنشستگی آنها افزایش یافتـه و از بالا رفتن هزینه‌های درمانی جلوگیری شود. آنها خواهان آن بودند که طرح پیشنهادی پولی شدن مراجعه به درمانگاهها پس گرفته شود. هم اکنون مراجعه به درمانگاههای عمومی مجانی است.

★ درچهارماه دوم سال۹۱ ، تعداد ۱۱۱ مورد اعتصاب واعتراض کارگری درفنلاند روی داده است که نسبت به چهارماه مشابه سال ۱۹۹۰ ازنظر تعداد ۱۴ مورد کم بوده‌است، ولی ازنظر کمیت شرکت کنندگان، تعداد متظاهرین واعتصابیون به سه برابر رسیده است . وهمچنیـــن روزهای اعتصاب نیز۱۲ برابر شده است، که درزیر به چند نمونـــه اشاره میشود:

در اعتصابات آپریل ــ ژوئن بیش از ۸۶۰۰۰ کارگر شرکت داشتند و ــ ۴۳۰۰۰۰ روز کاری در اعتصاب بود.

در اوایل آپریل حدود ۳۲۰۰۰ نفر از کارگران هتل و رستوران اعتصاب نمودند.

در ماه ژوئن، کارگران وابسته به اتحادیه AKT که تعدادشان۳۰۰۰۰ نفر بود چندین روز در اعتصاب بودند، که کل روزهای اعتصاب۲۲۰۰۰۰ روز بود.

به دنبال حاد شدن مسئله بیکاری در فنلاند و اخراجها و بیکارسازیهای بی‌سابقه، کارگران بیکار اقدام به متشکل شدن و مبارزه در راه بدســت آوردن حقوق از دست رفته خود در سطح سراسری نموده‌اند، و تاکنـون جلسات چندی در این باره در شهرهای بزرگ برگزار کرده‌اند، ونشریه‌ای به نام" Karensisanomat "منتشر می‌کنند.

★به دنبال شناور کردن مارك فنلاندی با نرخ ۱۴٪ (devaluation) توافقهای قبلی ناظر بر کاهش دستمزدهای کارگری بین اتحادیه‌های کارگـری و کارفرما ــ دولتی به هم خورد و در اواخر ماه نوامبر ۹۱ به دنبال معلوم شدن نتیجهٔ انتخابات نمایندگان کارگری در اتحادیهٔ متال ــ بزرگترین و ثروتمندترین اتحادیهٔ کارگری فنلاند ــ که به نفع گرایش سازشکار تمام شـد (٪ 52.5، گرایش نسبتا" رادیکال ٪ 45.2 آراء کارگران را بدســت آورد) ــ اتحادیهٔ مرکزی کارگری به پای امضاء توافق جدیدی رفت که به قرار زیر بود:

۱ــ دستمزد کارگران در سال ۹۲ منجمد شود.

۲ــ در سال ۹۳ در صورتی به دستمزد کارگران افزوده می‌شود که تـورم

نمودند. براثراین اقدام ارزش مارك‌فنلاند دربرابرارزهای خارجی۱۴٪پائیـن آمده ولذا ازهمان روزهای نخست تاثیرش رابشکل بالارفتن قیمت هـــا شروع بنمایش گذاشت. بدین ترتیب طبعا شرایط کاملا عوض شده بود وکارگران که به طمع رهبران اتحادیه حاضر به کاهش دستمزد شـــده بودند بدین خاطر بود که قدرت رقابت کالاهای فنلاندی را بالا ببرنـد ولی حالا دیگر وضع فرق می کرد. بدین ترتیب بدنبال این حرکـــت توارداد قبلی عملا زمین ماند وکارگران درهمان ساعات اولیه اعلام کردندکه قرارداد قبلی وطرح sorsa مالیده است، وباید براساس شرایط جدیـد بدنبال توافق جدید گشت. بدین ترتیب اکنون باشرایط زیر روبـــرو هستیم:

دولت و طرف کارفرما می گوید که باید دستمزدها برای مدتـی (۱تا دو سال) منجمد شوند و ۴٪ از پرداختی صندوق بازنشستگـی (Tel - maksu) به کارگران تحمیل شود.ولی اتحادیه های‌قدرتمنـد وبخصوص متال باآن موافق نیستند، ولی ازآنجائی که انتخابات نمایندگـان ورهبری اتحادیه متال در۲۴ تا۲۵ این ماه (نوامبر) برگزارمی شـــود عملا صحبت ومعامله بین طرفین به بعد از نتیجه انتخابات داخلی این اتحادیه موکول شده است.

منیـــر ــ فنلانـــد

www.iran-archive.com

←

تا اکتبر ۹۲ از 5.4٪ فراتر رود.

۳ــ از اول سال ۹۳ کارگران خود به پرداخت ۳٪ از حقوقشان به صندوق بازنشستگی شدند.

به دنبال این توافق سراسری موج اخیر اعتراضات و اعتصابات کارگری در فنلاند فروکش کرد ولی فشارها و تضییقات بر علیه کارگران هر روز با تصویب قوانین مختلفی ادامه دارد. میزان مالیاتها بالا برده شد بطوریکه الان یك کارگر فنلاندی بیشترین مالیات را در سطح اروپا میپردازد و این در شرایطی است که با بالا رفتن سریع قیمت اقلام مصرفی کارگر فنلاندی مجبور است در گران ترین کشور اروپا کار و زیست کند.

قانون جدیدی به نام قانون مالیات بر اشتغال تصویب شده که کارگران شاغل به خاطر تشکر!! از شرایط موجود سرمایه‌داری بحران زده که برای آنها فعلا" کاری برای انجام دادن ارائه داده است مجبور شده است مالیاتی بپردازد! و این در حالی است که نرخ بیکاری هر روز افسار گسیخته بالاتر میرود و هر روز تعداد بیشتری از کارگران به بیکاری کشیده میشوند. (البته شرایط بین‌المللی و به خصوص اوضاع نابسامان کارگران و زحمتکشان شوروی قبلی که همواره و تاریخا تحولات آن تأثیرات بسیاری بر جنبش کارگری فنلاند داشته است و دارد، در کاهش مبارزات کارگری در فنلاند تأثیر فراوانی دارد.)

★رقم بیکاری رسمی در آخر سال ۹۱ به رقم بی‌سابقه بالاتر از ۳۴۰,۰۰۰ نفر رسیده است که بیش از ۱۳٪ نیروی کار فنلاند است و همچنان با بیکارسازیهای مداوم رو به افزایش است. کافی است دقت شود که در پایان سال ۹۰ میزان بیکاری در حدود ۱۴۶,۰۰۰ نفر بود یعنی چیزی در حدود ۲۰۰,۰۰۰ نفر کمتر.

یونان

صبح روز ۹۱/۱۰/۹ کارگران ساختمانی آتن در اعتراض به اعمال سیاستهای ضد کارگری دولت یونان، تا مقابل ساختمان وزارت کار یونان راهپیمایی کردند.

این راهپیمایی که توسط سندیکاهای کارگران ساختمانی سازمان داده شده بود در اعتراض به تصمیم جدید دولت مبنی بر قطع حقوق بیکاری صورت گرفت.

لازم به توضیح است که نرخ بیکاری در یونان ۹٪ میباشد.

تجاوز به حقوق زحمتکشان در کویت

اواسط ماه اوت دولت کویت اعلام کرد که ساکنین غیر کویتی این کشور را اخراج خواهد کرد. طبق برنامه این رژیم، جمعیت این کشور از ۲/۲ میلیون به ۱/۲ میلیون تقلیل داده خواهد شد. یعنی یك میلیون کارگر مهاجر همراه با خانواده‌هایشان (در صورتیکه در آنجا ساکن باشند) مجبور به ترك این کشور خواهند شد.

قبل از اشغال کویت توسط عراق ۶۲۰۰۰۰ نفر از جمعیت این کشور دارای ملیت کویتی بوده و ۱/۶ میلیون غیر کویتی که ۴۰۰۰۰۰ نفرآنها فلسطینی بودند و ۱۰۰۰۰ نفر پناهندهٔ عراقی در این کشور زندگی میکردند. فلسطینی ها در واقع اکثرا" بجرم همکاری با رژیم عراق مجبور به ترك این کشور شده‌اند.

هدف کویت اینست که با اخراج خارجیان مقیم کویت که عمدتا" کارگر هستند، درصد جمعیت کویتی را به اکثریت برساند. و با این حساب این اخراج ها شامل نیروهائی از بخش تولید و خدمات میشود، چرا که دولت کویت تصمیم به تقلیل تولید خود در بخشهای مختلف تولیدی داشته و قصد دارد که ازاین به بعد در شرکتهای تولیدی‌خارج از کویت سرمایه‌گذاری کند و از این طریق دستی هم در خوان یغمای سرمایه در جهان داشته باشد.

(منبع ترجمهٔ خبر: روزنامهٔ سوسیالیست ۲۸/۸/۹۱)

ایالات متحدهٔ آمریکا: اخراج دسته جمعی شاغلین کارگر از کسرن شیمی.

در ۱۹۹۱/۵/۲۴ کسرن شیمی Dupont اعلام کرده است که: درآمد سه ماههٔ اول سال این شرکت ۲۱٪ پائین آمده که در نتیجه میبایست طبق یك طرح اخراج های دستجمعی، تعداد ۱۴۰۰۰ نفر از کل ۱۴۰۰۰۰ کارکنان این شرکت اخراج خواهند شد. این خبر سبب بالا رفتن قیمت سهام این کسرن بمقدار ۳٪ گردید کارگرانی که می بایست اخراج شوند، یا از طریق بازنشستگی زودرس و یا با دادن مبلغ پولی یکجا به آنان قانع به اخراج، و بقیه نیز بطور رسمی از طرف این کسرن اخراج‌خواهندشد.

از اوایل سال ۱۹۸۹ درآمد شرکتهای شیمی نه فقط در آمریکا (نزد شرکتهای Union Carbide ، Monsanto ، Dowchemical, Dupont ، پائین آمده‌است، بلکه کسرن انگلیسی ICI هم باوجودیکه ۵۰۰۰ از ۱۳۲۰۰۰ را از کار اخراج کرده‌است بازهم ۴۰٪ کسری درآمد دارد.

کسرن Dupont بر خلاف سال ۱۹۸۵ که ۱۱۰۰۰نفر را شامل بازنشستگی زودرس کرده بود، اینبار به کارگران و کارکنان فقط ۲۵٪ از آخرین حقوقشانرا پرداخت خواهد کرد. آندسته از کارگرانی هم که جوان هستند و بازنشستگی حتی زودرس هم شامل حالشان نمیشود، فقط یك بار ۵۰٪ درصد از آخرین حقوقشان رادریافت کرده و از این طریق بدون هیچگونه حق اعتراضی اخراج خواهند شد.

واقعیت این است که این شرکت، سطح تولید خود را پائین نخواهد آورد، بلکه حتی با زیادکردن سرعت کار و زدن از هزینهٔ اجتماعی کارکنان سعی در تولید ارزانتر برای رقابت با کسرنهای بزرگ در اروپا خواهد کرد تا بازار جهانیش را از دست ندهد.

(منبع خبر: Politische Berichte ۳۰/اوت/۱۹۹۱ شماره ۱۸)

www.iran-archive.com

-۳-

ترجمه مصاحبه باآلن تورنت یکی از فعالین جنبش کارگری بریتانیا

پیدایش و رشد اتحادیه های صنفی ــ کارگری در بریتانیا

جنبش کارگری بریتانیا از جنگ جهانی اول تا زمان حال

محبتهای من امروز دورهٔ از جنگ جهانی اول تا اعتصاب عمومی ۱۹۲۶ را در بر میگیرد، دوره‌ای که مهمتر از همه شامل تأسیس حزب کمونیست بریتانیا میشود.

به دنبال خاتمهٔ جنگ اول یك دورهٔ دو ساله رونق اقتصادی پیش آمد که اولا" هزاران کارگری را که از ارتش مرخص شده بودند بکار گرفت و ثانیا" موج عظیم مبارزه طلبی آن دوره را بوجود آورد. این موج مبارزه طلبی تنها به خاطر خاتمهٔ جنگ و دورهٔ رونق اقتصادی بعد از آن نبود بلکه همچنین بدلیل تأثیر انقلاب روسیه بود که در طی جنگ اتفاق افتاد و در تمام دنیا تأثیر بزرگی در بخشهای مختلف جنبش کارگری و جنبش سوسیالیستی گذاشت. این انقلاب و خود جنگ موجب یك سری اعتصاباتی در سالهای ۱۹۱۹ و ۱۹۲۰ شد. ۱۹۱۹ احتمالا" تنها زمانی بود که نیروهای پلیس نیز اعتصاب کرد و خواهان حق داشتن اتحادیهٔ صنفی و حقوق بهتر شد. همچنین در نیروهای ارتش نیز اعتصابات و شورشهایی بوقوع پیوست که در رابطه با جنبش اعتصابات وقت و باخواست شرایط بهتر زندگی صورت گرفت. در حقیقت در سال ۱۹۲۰ دولت وقت از وضعیت نگران شده و کمیته‌ای برای مقابله با شورش مسلحانهٔ احتمالی تشکیل داد. البته من فکر میکنم که نگرانی دولت وقت بیمورد بود اما شرایط آن زمان چنان نشان میداد. در سال ۱۹۱۹ تمام کارگران راه آهن و معدنچیان اعتصاب کرده و خواهان پول بیشتر و غیره بودند. یکی از اشکال سازمان گری که در آن زمان بکار گرفته شد و تأثیر به سزایی در دوره‌های بعد داشت "شوراهای عمل" (Council of Action) نامیده میشد. بدلیل اینکه بعد از ــ موفقیت انقلاب روسیه، تعدادی از کشورها ، منجمله بریتانیا، اقدام به دخالت نظامی در روسیه کردند تا بلشویکها را براندازند و بدنبال آن یك جنبشی در بریتانیا رشد کرد که از این دخالت جلوگیری کرده و با انقلاب بلشویکی ابراز همبستگی کند و این عمل توسط یك "شورای سرتاسری عمل" سازماندهی شد، و بدنبال آن "شوراهای عمل" در تمام کشور برپا شد. البته من دقیقا" نمیدانم این کار تا چه اندازه وسعت داشت. این عمل بدانجا ختم شد که کارگران بندر لندن از بارگیری کشتی بنام " Jolly George " با بار مهمات برای مخالفان بلشویکها جلوگیری کردند. این فقط در بریتانیا نبود بلکه در آلمان نیز انقلاب جریان داشت. در سال ۱۹۱۹ ــ ۱۹۲۰ این جریانات با شکست انقلاب آلمان به پایان رسید و این شکست یك نقطه عطفی بود. در بریتانیا نیز دورهٔ رونق در سال ۱۹۱۲ به آخر رسید و رکود اقتصادی نیرو گرفت. در این سال کارفرمایان درخواست کم کردن حقوق کارگران را پیش کشیدند. همزمان با این، تغییرات بزرگی در ساختار اتحادیه‌ها بوقوع میپیوست. تعداد زیادی از اتحادیه‌های کوچك و منطقه‌ای ادغام شده و اتحادیه‌های بزرگتر تشکیل دادند. بعنوان مثال اتحادیه‌های معدنچیان پیش از این فدراسیونهای منطقه‌ای بودند ولی در آن زمان در فدراسیون معدنچیان بریتانیا تشکل یافته بودند.

اتحادیه‌هایی مثل TGWU در سال ۱۹۲۲ بوجود آمدند. قبل از آن چندین اتحادیه بودند که کارگران نیمه ماهر را در دورهٔ قبل از جنگ اول نمایندگی میکردند و در آن زمان سازمانی بنام اتحاد سه گانه بوجود آمده بود که اتحاد معدنچیان، مهندسین و کارگران حمل و نقل میبود و در صورت حملهٔ کارفرمایان به یکی از اینها، دیگران موظف بودند که از اتحادیهٔ زیر ضربه حمایت کنند. در سال ۱۹۲۱ صاحبان معادن حقوق معدنچیان را کم کردند و معدنچیان نیز یك اعتصاب سراسری راه انداختند و ۶ ــ میلیون معدنچی به اعتصاب پیوستند. آنان از "اتحاد سه گانه" کمك خواستند ولی دیگر اعضای اتحاد سه گانه کمکی به معدنچیان نکرده و آنان را پشت درهای قفل شدهٔ معادن تنها گذاشت. در نتیجه معدنچیان مجبور شدند که شرایط کارفرمایان را پذیرفته و بر سر کار برگردند و این شکست مهمی برای جنبش بود. معدنچیان به مدت سه ماه در اعتصاب بودند و شکست آنان در روز جمعه‌ای اتفاق افتاد که به نام" جمعه سیاه" معروف شد. با این اتفاقات و نیز بدلیل رکود و بیکاری جنبش Shop Stewards که از دوره جنگ شروع شده و تا سال ۱۹۲۱ ادامه داشت به هم خورد. از وقایع مهم سال ۱۹۲۲ تحول حزب کارگر بریتانیا به شکل فعلی خود یعنی با داشتن عضویت شخصی بود. از زمان تأسیس خود در سال ۱۹۰۶، حزب کارگر عضو فردی نداشت بلکه دارای سازمانهای وابسته بود؛ سازمانهای سیاسی، اتحادیه‌ای و غیره در کلیت خود به حزب کارگر میپیوستند. در سال ۱۹۲۴ حزب کارگر به رهبری رفری مك دونالد و با حمایت لیبرالها در انتخابات عمومی پیروز شد و دولت حزب کارگر را تشکیل داد. این اولین دولت حزب کارگر کمتر از یك سال دوام داشت. از وقایع دیگر این دوره تأسیس حزب کمونیست بود که در شکل پذیری جریانات سیاسی بریتانیا بسیار مهم میباشد. حزب کمونیست توسط چند گروه سوسیالیستی مثل حزب سوسیالیست و دیگران در سالهای ۲۱ــ۱۹۲۰ تأسیس شد. مشکلی که ح.ك از ابتدا داشت این بود که قبل‌ازورود حزب کمونیست به صحنهٔ سیاست، سوسیال دمکراسی خود را در قالب حزب کارگر مطرح کرده بود. حزب کارگر در حقیقت از درون اتحادیه‌های کارگری بیرون آمد و این روند بر عکس چیزی بود که در دیگر کشورهای اروپایی پیش آمد. ح.ك از همان ابتدا خیلی کوچك بود، و در سال ۱۹۲۲ حدود ۴۰۰۰ عضو داشت،گرچه نشریهٔ هفتگی ح.ك بنام کارگر که ۵۰۰۰۰ در هفته تیراژ داشت. همچنین به عقیدهٔ من ح.ك بسیار سکتاریست بود.

در زمان تأسیس ح.ك بحث داغی با کمینترن جریان داشت. کمینترن ولنین عقیده داشتند که در بریتانیا حزب کارگر و سوسیال دمکراسی بر جنبش کارگری مسلط میباشد و ح.ك باید در درون حزب کارگر خود را متشکل کند. رهبری ح.ك هیچگاه این را نپذیرفت. در حقیقت در یکی از کنفرانسهای حزبی الحاق به حزب کارگر با اکثریت ناچیزی رای را برد ولی هیچوقت به اجرا گذاشته نشد. ح.ك حتی در انتخابات عمومی سال ۱۹۲۴ کاندیداهایی مقابل حزب کارگر پیش گذاشت. بحث در مورد روابط با حزب کارگر بحث درازی میباشد. من گمان میکنم که این حرکت آنها سکتاریستی بود. آنها باید حتما" به درون حزب کارگر راه میافتند. در آن زمان هنوز امکان داشت که ح.ك بعنوان یك سازمان سیاسی خود را به حزب کارگر وابسته کند (affiliate).اما بعدا" این امکان نیز از بین رفت. حنبهٔ دیگر حزب کمونیست این بود که، جدا از مسئلهٔ حزب کارگر، از سال ۱۹۲۳ به بعد ح.ك کاملا" مطیع و فرمانبر کمینترن بود. این بدان

www.iran-archive.com

معنی است که وقتی کمینترن سیاست خود را عوض کرده، ح.ك نیز بلافاصله سیاست خود را تغییر داد. جهت و روند مبارزهٔ اتحادیه‌های کارگری این بود که در سالهای ۲۳ــ۱۹۲۲ رکود بود. بعده در سال ۱۹۲۴ که رونق اقتصادی شروع شد، موجی از اعتصابات نیز شروع شد. این اولین مبارزاتی بود که ح.ك در آن شرکت داشت. آنها حزب کارگر را رد کرده و به اتحادیه‌ها روی آوردند و جنبشی بنام جنبش سرتاسری اقلیت را بوجود آوردند که یکی از مهمترین جنبشهای اتحادیه‌ای بود که از پائین شکل گرفت. جنبش سرتاسری اقلیت، در سال ۱۹۲۴ کنفرانسی با نمایندگانی از طرف ½ میلیون کارگر تشکیل داد و نیز بخشهایی از TUC مثل فدراسیون معدنچیان جنوب ولز و یا فرد با نفوذی مثل رهبر فدراسیون سرتاسری معدنچیان را بدنبال خود داشت. این جنبش بسیار با نفوذ بود و به سرعت رشد کرد، سه چهار سال بعد حدود ۱ میلیون کارگر را نمایندگی میکرد که تقریبا" ½ تمام اتحادیه‌های کارگری میبود. بنابراین از اتفاقات مهم سال ۱۹۲۴ شکل گیری این جنبش بود. یکی از تحولات دیگر آن زمان این بود که ح.ك تصمیم گرفت که با اتحادیه‌های کارگری روسیه روابط برقرار کند و در سال ۱۹۲۲ کمیته‌ای بنام کمیتهٔ اتحادیه‌ای بریتانیا و شوروی تشکیل داد. بیشتر رهبران چپ اتحادیه‌ها عضو این کمیته بودند.

مسئلهٔ دیگری که همزمان با این مسائل پیش آمد، مرگ لنین و قدرت گرفتن استالین بود. استالین از همان زمان شروع به تغییر اساسی در سیاستهای حزب کمونیست اتحاد شوروی کرده و از سیاست متکی بر انقلاب در روسیه و صدور آن به غرب و دیگر نقاط جهان، با این دید که انقلاب جهانی امکان پذیر نیست و بهتر است که سوسیالیسم را در یك کشور یعنی اتحاد شوروی مستحکم کرد، سیاست همزیستی مسالمت آمیز را با غرب سرمایه‌داری به پیش برد. این دید کم و بیش از سال ۱۹۲۴ بعنوان سیاست شوروی به اجرا گذاشته شد. این همزمان بود با تأسیس این کمیته متشکل از نمایندگان اتحادیه‌های شوروی و بریتانیا که گاه به گاه دور هم مینشستند. این شرایط و زمینهٔ سیاسی اعتصاب عمومی کارگران بود که یك سال بعد اتفاق افتاد.

بسال ۱۹۲۵، اقتصاد بریتانیا بار دیگر به رکود افتاده بود ونخست وزیر محافظه کار زمان استانلی بالدوین، دستور داد که برای نجات دولت از مشکلات فعلی خود باید حقوق همه کم شود. بنابراین در سال ۱۹۲۵ دوباره حقوق معدنچیان را کم کردند و آنان دوباره چهار سال بعد از شکست سال ۱۹۲۱، اعتصاب عمومی در مخالفت با کسر حقوق و صاحبان معادن راه انداختند. معدنچیان بار دیگر از اتحاد سه گانه کمك خواستند و این بار بخشهای دیگر اتحاد سه گانه، کارگران راه آهن و دیگر صنایع حمل و نقل و نیز مهندسین به این خواست آنان پاسخ مثبت دادند و در ژوئیه ۱۹۲۵ با عقب نشینی صاحبان معادن، به یك پیروزی تاریخی دست یافتند. این پیروزی به نام جمعهٔ سرخ معروف شد. جمعهٔ سیاه ۱۹۲۱ که معدنچیان شکست خوردند و جمعهٔ سرخ ژوئیه ۱۹۲۵ که آنان پیروز شدند.

اعتصاب عمومی یك سال بعد اتفاق افتاد. در سال ۱۹۲۶ کارفرمایان دوباره حقوق معدنچیان را کم کردند و بر ساعات کار افزودند. در این زمان معدنچیان نیروی اصلی و پیشرو جنبش اتحادیه‌های کارگری شمرده میشدند. معدنچیان نیروی کارگری بسیار وسیعی بوده و مرکز ثقل اقتصاد بریتانیا محسوب میشدند. به این دلیل هر دفعه اول حقوق آنان کم میشد. خود اعتصاب عمومی از روز اول ماه مه ۱۹۲۶ شروع شد. معدنچیان در صدد شروع اعتصاب خود بودند و شورای مرکزی TUC از تمام جنبش کارگری خواست که از معدنچیان حمایت کنند. در حقیقت تمام اتحادیه کارگری به حمایت از معدنچیان دست به اعتصاب زدند و بعضی از اشکال سازماندهی که در اوائل دههٔ ۲۰ در حمایت از انقلاب روسیه بکار گرفته شد، مثل شوراهای عمل، این بار نیز بعنوان اشکال اصلی سازماندهی اعتصاب عمومی استفاده شدند. شوراهای کارگری هر منطقه وظیفهٔ شوراهای عمل را بعهده گرفتند. این شوراهای عمل کاملا" باز و دمکراتیك بود. هر بخش از کارگران در هر منطقه یا شهر نمایندگانی به شورای عمل منطقه میفرستاد و آنها اعتصاب و همه چیز را در منطقه اداره میکردند. بنابراین سه طبقه رهبری و سازماندهی اعتصاب وجود داشت که بسیار مهم بود، در وهلهٔ اول البته شورای مرکزی TUC بود که اعتصاب عمومی را فراخواند. بعد کمیتهٔ اتحادیه‌ای بریتانیا و شوروی بود که بیشتر رهبران چپ اتحادیه‌ها در آن عضو بودند و آخر سر شکل سازماندهی از پائین مثل شوراهای عمل و یا شوراهای کارگری بود که اعتصاب را اداره میکردند.

یکی از خصلتهای مهم این اعتصاب از نقطه نظر استراتژیك این بود که دولت خود را کاملا" برای مقابله با این اعتصاب آماده کرده بود. دولت از ماهها قبل پیش بینی اعتصاب را کرده و کشور را به بخشهای نظامی تقسیم کرده و سیستم ترابری نظامی را برنامه ریزی کرده بودند. آنها همچنین یك جنبش ضد اعتصاب متشکل از نیروهای طبقات متوسط (بورژوازی) و بخشهایی از دانشجویان به فاصلهٔ چند روز بعد ازشروع اعتصاب عمومی تشکیل دادند. از طرف دیگر TUC هیچ کاری برای آماده کردن خود نکرده بود. از همان ابتدا همه چیز خود به خود سازمان یافت. خصلت دیگر اعتصاب عمومی سال ۱۹۲۶ این بود که اعتصاب روز به روز قویتر شد. اعتصاب بمدت ۹ روز ادامه یافت. اول ماه مه معدنچیان اعتصاب کردند، در سوم ماه مه TUC همه را به اعتصاب فراخواند و بعد از آن هر روز افراد بیشتری به اعتصاب پیوستند و روز به روز اعتصاب رادیکالتر و مستحکمتر شد. اعتصاب ارزش "سازماندهی خود انگیخته" را اثبات کرد. اما مشکلات اساسی نیز وجود داشت مثلا" در رابطه با TUC . چیزی که دولت به TUC گفت این بود که این اعتصاب اتوریته و حق دولت را برای ادارهٔ کشور را تحت سؤال قرار میدهد. شما یا باید آمادهٔ تشکیل دولت شوید و یا بر سر کار خود باز گردید. دولت وقت مسئله برایش کاملا" روشن بود. اما TUC از همان ابتدا آمادهٔ مصالحه بود. یکی از مشکلات اعتصاب عمومی این بود که هیچ نیروی متشکلی برای مقابله با سازشکاری TUC وجود نداشت چونکه به محض اینکه استالین در سال ۱۹۲۴ به موضع همزیستی مسالمت آمیز چرخید، ح.ك نیز به همین موضع روی آورد و در اعتصاب عمومی نقش چندانی بازی نکرد و تنها نقش وی این بود که همه جنبش اعتصاب را به وفاداری و فرمانبری از TUC دعوت کرد. در حقیقت از یك سال پیش از آن ح.ك بر این موضع بود که TUC باید قدرت بیشتری داشته باشد وحلقهٔ اصلی در بریتانیا نیرومندتر کردن TUC میباشد. این دید ح.ك توسط کمیتهٔ اتحادیه‌ای بریتانیا و شوروی به TUC منتقل شد و در نتیجه TUC حاضر به مذاکره و دیدار با نمایندگان دولت شد و در مذاکره کاملا"تسلیم شد. TUC تمام شرایط کارفرمایان و دولت را پذیرفت. اصولا" TUC مطرح کرد که اینکار ما خیلی خطرناك است و از جنبش خواست که بر سر کار خود برگردند. در حقیقت پایان اعتصاب بسیار ناگهانی و باعث تعجب همه بود. اگر شما صورت جلسه شوراهای عمل را در آن زمان بخوانید ــ من صورت جلسهٔ شورای عمل شهر آکسفورد را خواندم ــ می‌بینید که خیلی از آنها دستور خاتمهٔ اعتصاب را باور نکرده و به اعتصاب ادامه دادند و یکی دو روز طول کشید تا اعتصاب خاتمه پذیرد. بحث ح.ك و TUC این بود که اگر اعتصاب میخواهد ادامه پیدا کند باید شکل قیام به خود بگیرد اما چون زمان قیام فرا نرسیده پس اعتصاب باید خاتمه پذیرد. اعتصاب نمیتواند به صورت اعتصاب نیز ادامه یابد چون مستقیما" حق دولت وقت را برای حکومت و ادارهٔ مملکت زیر سؤال میبرد. ح.ك کاملا" طرفدار این نظر بود و چندان دخالتی

←

www.iran-archive.com

شورش جوانان بیکار در بریتانیا

شهریور ماه امسال شاهد اتفاقات "غیر مترقبه‌ای" در بریتانیا، قلب نظام سرمایه‌داری، بود. هنگامیکه سران سرمایه‌دار انگلستان بشادی در حال جشن گرفتن عقب نشینی طبقه کارگر در سطح جهانی و زوپاشی سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی بودند، شورشهای کارگران جوان بیکار در مراکز عمده صنعتی انگلستان و ولز کشتی ثبات ایشان را بشدت تکان داد.

صدها جوان بیکار، بجان آمده از سیاستهای اقتصادی رژیم و حزب محافظه کار (حزب دست راستی سرمایه‌داران) که موجب بیکار شدن بیش از ۵ میلیون نفر در طول ۱۲ سال گذشته شده و ۱۱میلیون نفر را مجبور به زندگی زیر خط فقر نموده است، در مناطق فقیر کارگری شهرهای آکسفورد، بریستول، برمینگهام، کاردیف(پایتخت ولز) و نورث شیلدز واقع در شمال شرقی انگلستان طی هفته اول سپتامبر و سپس سه شب و روز متوالی در هفته دوم سپتامبر در شهر نیوکسل آپن تاین و در هفته چهارم سپتامبر در شهرستان میدلزبرا (مرکز عظیم تولیدات شیمیایی ICI) به خیابانها ریخته و به درگیری خونین با پلیس پرداختند.

در طی این جریانات خود جوش، جوانان بیکار همواره پلیس را به عنوان عامل خفقان، زورگویی، مزاحمت و آدمکشی رژیم به مبارزه طلبیدند. شورشها طبق اظهارات جوانان بیکار با حمله به ساختمان های خدمات عمومی، مغازه‌ها و در یك مورد بانك، خرد کردن و آتش زدن خودروهای گرانقیمت برای به مبارزه طلبیدن پلیس آغاز گردیده و به مبارزه علیه پلیس بوسیله چوب و سنگ و کوکتل مولوتف و بر پا کردن بریکاد و آتش زدن لاستیك گسترش یافت. سن جوانان از ۱۳ سال به بالا بود.

سیاستهای اقتصادی رژیم سرمایه‌داری انگلستان به رهبری سرمایه مالی در ۱۲ سال گذشته همچنین باعث بی‌خانمانی صدها هزار نفر گردیده هزاران هزار خانواده اکنون در مسافرخانه‌ها در بدترین شرایط و هزاران نفر دیگر در جعبه‌های مقوایی در زیر پلها، پارکها و دیگر اماکن عمومی شب را بسر میکنند.

مالیات سرانه (POLL Tax) که به جای عوارض شهرداری بر مردم تحمیل گردیده موجب بدتر شدن شرایط زندگی و فقر بیشتر کارگران گردیده. تعدادی از مردم بدلیل عدم پرداخت مالیات سرانه در زندانها به سر میبرند. باعث تعجب نیست که راه حل رژیم ازدیاد بودجه پلیس و برنامه ساختمان تعداد بیشتری زندان بوده است. مراجع دینی نیز دلیل شورش را "خردشدن اخلاق در بریتانیا" قلمداد میکنند.

گرچه طی این شورشها برخی جوانان بیکار به مأموران آتش نشانی و آمبولانس که آنان نیز کارگر هستند حمله کرده‌اند و در بعضی موارد سازمان‌ها و احزاب فاشیستی و نژاد پرست از این شورشها به نفع خود سود جسته‌اند، اما شکی نیست که فشار سیاستهای اقتصادی رژیم و فشار پلیس بر مردم و به خصوص جوانان کارگر بیکارشده، نا امیدی به آینده، استیصال و احساس بی قدرت بودن برای تغییر دادن اوضاع موجب طغیان خود جوش جوانان کارگر بیکار شده گردید.

مبارزه بر ضد بیکاری، در درجه اول، اگر در محیطهای کار بوسیله کارگران شاغل انجام نپذیرد، سمت و سوی هدفمند پیدا نخواهد کرد. برغم تشکیل مراکز مبارزه با بیکاری بوسیلهٔ اتحادیه‌های کارگری متشکل در کنگره اتحادیه‌های کارگری انگلستان که سعی در تخفیف مشکلات بیکاری دارند، طبقه کارگر انگلستان هنوز یکپارچه به مبارزه با ریشه بیکاری یعنی نظام سرمایه‌داری برنخاسته است. دلیل آن هم تفکرات سوسیال دمکراتیك حاکم بر اتحادیه‌های کارگری است که حاضر به همزیستی مسالمت آمیز طبقه کارگر با طبقه سرمایه‌دار در یك کشور است علیرغم اینکه طبقه سرمایه‌دار انگلستان به رهبری سرمایه مالی از شروع دوره زمامداری تاچر عزم به خرد کردن طبقه کارگر و از بین بردن هویت آن کرده است.

سیاهك. انجمن کارگران پناهنده ایرانی ــ انگلستان

مهر ۱۳۷۰، ۹ اکتبر ۱۹۹۱

←

در اعتصاب نداشتند. نقش و نفوذ ح.ك در بالاترین سطح آن هم از طریق کمیتهٔ اتحادیه‌های بریتانیا و شوروی بود. به هر حال اعتصاب شکست خورد و این شکست بسیار بزرگی بود. بیش از $\frac{1}{2}$ کسانی که در اعتصاب شرکت کرده بودند از کار اخراج شدند و رادیکالها و مبارزین همه جا از کار بر کنار شده و سرکوب شدند. تعداد اعضای TUC در یك سال بعد از اعتصاب تا نصف نزول کرد و وضع ترقی چندانی نکرد تا رکود بزرگ اواخر دههٔ ۲۰ وقتی که بازار بورس جهانی سقوط کرد. البته این بدین معنی نیست که هیچ تحولی در این دوره صورت نگرفت. مثلا" جنبش سرتاسری اقلیت به تحول خود ادامه داد و همانطوریکه گفتم، سال ۱۹۲۷ حدود ۱ میلیون عضو داشت و تا اواسط دههٔ ۳۰ این جنبش ادامه داشت.

اینها اتفاقات اصلی در زمینهٔ اعتصاب عمومی ۱۹۲۶ بودند. این اتفاقات تحولات عمیقا" سیاسی بودند که طبقهٔ کارگر با تمام نیروی خود به آنها پاسخ داد.

www.iran-archive.com

اعتصاب در شرکت نفت ایران

دنباله ازصفحه اول

کارکنان پالایشگاههای تهران، اصفهان وشیراز برای چندمین باردر یکسال اخیر، ازروزجمعه دهم ژانویه جاری برای کسب ۸۰ درصد افزایش حقوق دست به اعتصاب زدهاند.

"۸۰ درصد" درمعادلات ریاضی ودرچارچوب محاسبات معمول برای افزایش حقوق، رقم بزرگی محسوب می گردد، امادرمقایسه باتورم وواقعیات جامعه ایران، این درصد نه تنها عجیب نیست، بلکه حتی این افزایش حقوق نیز درزندگی اقتصادی کارگران تاثیرجدی بجای نخواهد گذاشت وشاید آنها بتوانند بابدست آوردن آن تنها حداقلهای زندگی خودراتامین نمایند... واین حقایق عمق فاجعه رادرکشورما برملا می سازد!

ماازتمام تشکلهای کارگری، مجامع بین‌المللی، شخصیت های سیاسی وهمه انسانهای آزاده تقاضاداریم به هرطریق ممکن حمایت خود رااز‌کارکنان شرکت نفت بمنظور دستیابی به حقوق حقه شان، اعلام دارند.

انجمن کارگران‌تبعیدی‌ومهاجرایرانی
۱۹۹۲/۱/۱۳

نتیجه اعتصاب:

درتاریخ ۲۷ژانویه‌با‌دریافت ۵۰٪ افزایش‌حقوق‌برای‌کارگران‌و ۸۰٪ برای‌کارمندان، وپیشنهادینکه "کارگران‌ناراضی‌می‌توانند به‌کارگزینی‌هامراجعه‌کرده‌وفرم کارمندشدن‌راپرکنند" ازطرف رژیم، اعتصاب به‌پایان رسید.

خرید و فروش کودکان برای انجام کار در مزارع و کارگاهها

دنباله ازصفحه اول

بسیاری از کارهای سنگین خانگی، کار تمام وقت و گاهاً ۱۰ تا ۱۴ ساعت در روز در قالی بافیها، کارگاهها و مزارع مختلف، مستخدمی منازل و یا دستفروشی،شرایطی است که از سنین طفولیت بر صدها هزار کودك در ایران تحمیل میشود. اما اینها همه تازه قسمت کوچکی از سرنوشت دردناك بخش عظیمی از کودکان است. اخبار غم انگیز و نفرت آور فروش کودکان توسط پدر و مادرانی که امکان تأمین زندگی کودکان خردسالشان را ندارند گویای عمق نکبت نظام سرمایه‌داری است. نظامی که جسم و روح انسانها را حتی در سنین طفولیت وثیقه انباشت و باز تولید سرمایه میکند.

کار کودکان در کشورهای بازار مشترك اروپا

روزنامه "وینرتسایتونگ" ارگان رسمی دولت اطریش با استناد به تحقیقات سازمان بین المللی کار مینویسد: در سال ۸۸ میلادی نیم میلیون کودك در ایتالیا تحت شرایط سخت تا ۱۴ ساعت در روز و با حقوقی در حد رفع گرسنگی به کار گمارده شدهاند.

این روزنامه میافزاید: در مناطق جنوبی این کشور فقر به حدی است که برنامه تحصیل رایگان قابل اجرا نمیباشد و در گزارشی که وزیر آموزش و پرورش ایتالیا در سال ۸۹ میلادی ارائه کرد آمده است تا ۳۰ درصد کودکانی که تحصیل برایشان واجب است از ۱۰ سالگی به جای حضور در کلاسهای درس به کارهایی از قبیل پادویی، شاگرد مکانیکی و عملگی روی میآورند.

به نوشته این روزنامه در اسپانیا و پرتغال نیز وضع به همین منوال است.

روزنامه مذکور این واقعیت را که از ۱۲ کشور عضو بازار مشترك، دانمارك، انگلیس و پرتغال حتی حاضر به امضای کنوانسیون منع به کار گماری کودکان نشدهاند خاطر نشان میسازد.

همچنین موسسه حمایت از کودکان در آلمان، پرده از کار مزدی صدها هزار کودك در این کشور برداشت. بنا به برآورد این موسسه ۴۰۰ ــ هزار کودك در سال ۱۹۸۹ به کار اشتغال داشتند که اکثرا" در رستورانها، پمپ بنزینها و یا به عنوان ماشین شور و توزیع کننده روزنامه و آگهیها مشغول به کار بودند.

نشانی‌های جدید پستی

انجمن کارگران‌پناهنده و مهاجرایرانی

انگلستان

IRANIAN REFUGEE WORKERS ASSOCIATION
c/o 12/14 Thornton Street
London SW9 OBL
Tel: 071-7335135/5670

آلمان

Verein der Iranischen
Arbeiteremigranten
u. Flüchtlinge
Am Judenkirchhof 11 C
3000 Hannover 1

با نشریه کارگر تبعیدی مکاتبه کنید

www.iran-archive.com